



# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۹۳

شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳، ۷ سپتامبر ۲۰۲۴

### بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

#### به مناسبت دومین سالگرد

#### انقلاب زن، زندگی، آزادی

دو سال از فوران انقلاب زن، زندگی، آزادی گذشت. انقلابی که با فریاد زن، زندگی، آزادی و شعارهایی همچون "مرگ بر دیکتاتور" و "... میریم تا سرنگونی"، هدف مستقیم و فوری خود را سرنگونی حکومت اسلامی اعلام کرده و مردمی را نشان می‌دهد که نه فقط می‌خواهند به حاکمیت اسلامی سرمایه‌داران در ایران پایان دهند، بلکه در تلاش‌اند با یک انقلاب همه‌جانبه و اجتماعی کل سنت‌ها و سیاست‌ها و پایه‌های حاکمیت جنایت‌کاران حاکم را در هم بیچند و جامعه‌ای مرفه و شاد و برابر را پایه‌ریزی کنند. انقلابی که آوازه‌اش جهانی شد و همبستگی و حمایت‌های وسیع بخش‌های مختلف مردم جهان را به خود جلب کرد. گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل در مورد جنایات جمهوری اسلامی و تأکید بر اینکه این جنایات مصداق بارز جنایت علیه بشریت است، یک نمونه مشخص و مهم از تأثیر انقلاب زن، زندگی، آزادی در سطح بین‌المللی و انزوای جهانی جمهوری اسلامی است.

این انقلاب هنوز به اهداف خود نرسیده و حکومت اسلامی همچنان بر سر کار است و هر روز جنایات تازه‌ای را رقم می‌زند. اما نکته مهم و آشکار این است که جامعه در برابر حکومت منفور اسلامی بسیار جلوآمده و خاکی‌های اساسی‌ای را فتح کرده است که برای پیشروی‌های بعدی حیاتی است. فضای تعرضی جامعه در برابر حکومت، کنارزدن حجاب اسلامی توسط زنان و زیر پا گذاشتن وسیع آبارتاید جنسیتی توسط زنان و مردان، سرپیچی اجتماعی گسترده از قوانین و سنت‌های اسلامی در مدرسه و دانشگاه و در کف خیابان و در کل جامعه، ابراز نفرت آشکار عمومی نسبت به حکومت، اعتراضات و اعتصابات مداوم بخش‌های مختلف کارگران، پرستاران، معلمان و بازنشستگان و مردم زحمت‌کش، اعتراضات و اعتصابات پیگیر زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان، مخالفت‌ها و اعتراضات علنی هنرمندان و سینماگران و چهره‌های هنری و ورزشی، گفتمان بسیار فراگیر سرنگونی در جامعه و امید و عزم غیرقابل‌انکار مردم برای به زیر کشیدن حکومت، و بسیاری نموده‌های سیاسی دیگر تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی با مردمی مصمم و آگاه و متحد طرف است و در برابر آنها این حکومت نیروی بسیار بیگانه و منزوی است که باید سرنگون شود و سرنگون خواهد شد. رشد وسیع همبستگی و اتحاد اجتماعی و گرایش‌های مدرن و انسانی و برابری‌طلبی در میان مردم و ضدیت وسیع با نهادها و سنت‌های مذهبی و تعصبات قومی و عقب‌مانده، گویای پیشروی و تقابل بارز مردم در برابر حکومت و کل سنت‌ها و سیستم حاکم است.

بازتاب این وضعیت را حتی در فراتر رفتن

مردم از تحریم مضحکه انتخابات جمهوری

ادامه در صفحه ۲

### دومین سالگرد آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر و حسن صالحی

صفحه ۳

### این ماشین قتل و جنایت را باید در هم کوبید!

صفحه ۶

### مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی

منصور حکمت

صفحه ۷

### بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران درباره

#### حقوق انکارناپذیر شهروندان

#### در زمینه سلامت و درمان

صفحه ۱۰

### بازداشت‌های گسترده در آستانه دومین سالگرد

#### انقلاب "زن، زندگی، آزادی"

مهران محبی

صفحه ۱۲

### جراحی اقتصادی توسط قاتلان اقتصادی

اصغر کریمی

صفحه ۱۳

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

#### در محکومیت انتقال اجباری اردوگاه‌های کومه‌له

#### در کردستان عراق!

صفحه ۱۴

### اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۵

به مناسبت دومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی

از صفحه نخست

اسلامی و عملاً تبدیل آن به فراندومی برای سرنگونی حکومت می‌توان دید. به‌هم‌ریختگی صفوف حاکمیت اسلامی و هشدارهای پی‌درپی در مورد خطر سر بلند کردن مجدد انقلاب زن، زندگی، آزادی و رجزخوانی‌ها و شدت دادن به خشونت‌ها و سنگ‌بندی‌های حاکمین در برابر مردم نیز بیش از هر چیز وحشت و وضعیت نزار حکومت در برابر مردم سرنگونی طلب را به نمایش می‌گذارد.

گسترش دستگیری‌ها، پلیسی‌تر کردن فضای شهرها، و افزایش اعدام‌ها عمده‌تاً در قبال مجرمین جرائم غیرسیاسی، و صادر کردن پی‌درپی احکام اعدام علیه معترضین اساسی‌ترین سیاست و پاسخ حکومت به فضای انقلاب در جامعه است.

اما هر ناظر بی‌طرفی اذعان می‌کند که این سیاست‌ها و سرکوب‌ها کمکی به حکومت برای کاهش چشم‌انداز و "خطر" انقلاب نکرده و برعکس به جنبش گسترده علیه اعدام، فضای خشم و نفرت از حکومت و ابراز انزجار علی‌نسبت به نهادهای اسلامی و کل حاکمیت گسترش بیشتری داده است. تقابل هر روزه میان مردم و مأموران حکومت و حمایت از دستگیرشدگان در سطح شهرها و مناطق مختلف این فضا را بیش از هر چیز به نمایش می‌گذارد. خواست آزادی زندانیان سیاسی و ابراز انزجار نسبت به اعدام‌ها و دفاع از آزادی‌های سیاسی در میان مردم وسیعاً موج می‌زند. جنبش دادخواهی و جنبش علیه اعدام بیش از هر زمان در جامعه جا باز کرده و فضای دادخواهی در برابر جنایات حکومت اکنون از هر زمان گسترده‌تر است. خانواده‌های جان‌باختگان مورد وسیع‌ترین حمایت‌های مردمی هستند.

شفافیت خواست‌ها و حساسیت و آگاهی عمیق و گسترده اجتماعی بخش‌های مختلف مردم در مورد آینده و چشم‌انداز تحولات یک خصوصیت بارز جامعه کنونی ایران است. مخالفت با اقلیت فاسد و استثمارگر و صاحب امتیاز و گفتمان اداره شورایی و حکومت شورایی و جمعی در میان کارگران و مردم بسیار وسیع است. امروز و به‌ویژه به دنبال انقلاب زن، زندگی، آزادی همه بخش‌های مختلف مردم حتی کودکان دبستانی "سیاسی" شده‌اند و به راه‌حل‌های سیاسی می‌اندیشند. بازتاب این فضا را در بیانیه‌ها و شعارها و اعتراضات روزمره مردمی نیز می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد.

گفتمان رهبری انقلاب و مسئله ویژگی نظام آینده بعد از جمهوری اسلامی در میان مردم بسیار فعال است. این فضا باعث شده است که جریان‌های مختلف تلاش نمایند به شیوه‌های مختلف به مسئله رهبری انقلاب پاسخ ویژه خود را بدهند. منشور خواست‌های حداقلی ۲۰ تشکل و میثاق انقلاب زن، زندگی، آزادی و منشور مطالبات پیشرو زنان فرموله‌کننده خواست‌ها و اهداف انقلاب از منظر کارگران و گرایش چپ اجتماعی و مردم سرنگونی طلب است و به کرسی نشاندن آنها به معنای عملی شدن خواست‌های مردم انقلابی و پایان دادن قطعی به کل سیستم استثمارگرانه و ارتجاعی موجود و ایجاد تحولاتی عظیم و رو به پیش در جامعه خواهد بود. در عین حال جریان‌های راست نیز تلاش می‌کنند طرح‌های ارتجاعی و از بالا، گفتمان‌های عقب‌مانده خود را بر فضای انقلاب حاکم نمایند. اما فضای چپ جامعه و هشیاری وسیع طیف‌های پیشرو انقلاب باعث شده است که تمام طرح‌های آنها تاکنون نقش بر آب شده و گفتمان رادیکال و چپ و انسانی دست بالا داشته باشد.

حزب کمونیست کارگری خود را یک پای محکم و فعال پیشروی انقلاب زن، زندگی، آزادی می‌داند، از قبل به استقبال چنین انقلابی رفته و فوراً

ناگزیر آن را با نقش بارز زنان و طبقه کارگر تأکید کرده و در دام‌زندن و گسترش گفتمان‌های چپ و انسانی و پیشرو در میان فعالین انقلاب و بخش‌های هرچه وسیع‌تری از کارگران و مردم نقش اساسی دارد و تلاش می‌کند که این انقلاب در ادامه خود به عمیق‌ترین و انسانی‌ترین تحولات اجتماعی منجر شود و یک‌بار برای همیشه به حاکمیت مذهب و سلطه یک اقلیت استثمارگر و استثمارگر پایان دهد. برپایی جامعه‌ای انسانی و آزاد و بدون سرکوب و اعدام، جامعه‌ای برابر و متکی بر رفاه و ایمنی تک‌تک مردم، دخالت و تصمیم‌گیری توده مردم در سرنوشت جامعه از طریق سیستم شورایی، آزادی عقیده و آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی، فوری‌ترین و مهم‌ترین اهدافی است که این انقلاب می‌تواند و باید در ادامه خود به کرسی بنشانند.

حزب تلاش کرده و می‌کند که این گفتمان‌ها را وسیعاً در سطح جامعه و انقلاب جلو بیاورد، پیشروان و رهبران انقلاب را به اهداف و سیاست‌های کمونیستی طبقه کارگر هرچه بیشتر آشنا و مجهز کند، و در جهت سازماندهی و بسیج گسترده زنان و جوانان و بخش‌های پیشرو کارگری برای ایفای نقش هرچه مؤثرتر در انقلاب زن، زندگی، آزادی تلاش و مبارزه نماید. انقلاب جز با این جهت‌گیری نخواهد توانست اهداف تحول‌بخش و انسانی خود را متحقق نماید.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۴۰۳ - ۱ سپتامبر ۲۰۲۴

در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌دوره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون درآمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه‌کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است. (سرمایه‌داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

## دومین سالگرد آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی

گفت‌وگو با شهلا دانشفر و حسن صالحی

حمله سرکوبگران به زنان بخاطر حجاب را تعرض به انقلابشان دیدند، به دفاع از زنان برخاستند. در تجمعات بازنشستگان فریاد شعار "روسری را رها کن فکری به حال ما کن" بلند شد و امروز می‌بینیم که حکومت حریف نشده و می‌بینیم که بازنده است.

در تداوم این نبرد هر روزه است که گفتمان بر سر پایان‌دادن به کل بساط آپارتاید جنسی حاکم داغ شد و بازتاب آن را در مناسبت هشت مارس روز جهانی زن در بیانیه‌های اعتراضی زندانیان سیاسی زن در اوین و فعالین انقلاب زن، زندگی، آزادی شاهد بودیم که از آن به‌عنوان جنایت آشکار علیه بشریت نام برده شده بود.

زیر پا گذاشتن مذهب و خرافه و تمام سنن عقب‌مانده ارتجاعی عرصه مهم دیگر نبرد مردم در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی و در تداوم آن با این حکومت بوده است. این را ما در تبدیل مراسم‌های عزاداری مذهبی حکومتی از جمله در عاشوراها و تاسوعاها شاهدیم. مراسم‌هایی که به محل رقص و حضور زنان بی‌حجاب تبدیل شدند. مثال دیگرش مراسم‌های گرامیداشت یاد جان‌باختگان است که در آن مردم قرآن و آخوند را کنار زدند و با شعاردهی و پخش موزیک یاد عزیزانشان را گرامی داشتند.

جنبش دادخواهی نیز یک ستون مهم جنبش سرنگونی است و در این دو سال هر روزه در میدان بوده است. با گرامیداشت‌ها و با دیدارهای همبستگی و با رساندن فریاد دادخواهی‌اش به گوش جهانیان و در مناسبت‌های مختلف قدرت‌نمایی این جنبش را با فریاد "ایستاده‌ایم تا پایان" شاهد بوده‌ایم. گزارش کمیته حقیقت‌یاب که جنایات حکومت در جریان انقلاب زن، زندگی، آزادی را جنایت علیه بشریت خواند، اوج عظمت جنبش دادخواهی در ایران را به نمایش گذاشت.

جنبش قدرتمند دیگر در جامعه که در این دو سال شاهد عرض اندامش بوده‌ایم جنبش علیه اعدام و زندان و سرکوب است. ما شاهد به‌پاخاستن زندانیان سیاسی در زندان‌ها علیه سرکوبگری‌های حکومت با فریاد زن، زندگی، آزادی و سه‌شنبه‌های اعتراضی آنان علیه اعدام‌ها بوده‌ایم. ما شاهد کارزار بین‌المللی قدرتمند علیه اعدام بوده‌ایم که یک‌سرس در ایران در کف خیابان و در زندان‌ها و سر دیگرش در اقصا نقاط جهان است و شاهد جنبشی با اقتدار برای آزادی زندانیان سیاسی هستیم که امروز با اتحاد مبارزاتی تمام نهادهایی که در ایران و در جهان در این عرصه فعال بوده‌اند، در شکل یک شبکه جهانی علیه زندان قد علم کرده است. آزادی زندانیان سیاسی به شعار اعتراضی کف خیابان‌ها تبدیل شده است.

و بالاخره اجازه بدهید که سراغ جنبش بر سر معیشت بروم که بنیان اصلی‌اش بر دوش جنبش کارگری قرار دارد. جنبش کارگری که خود سهم مهمی در کشیده‌شدن اوضاع به‌طرف انقلاب زن، زندگی، آزادی داشت و زمینه‌های انقلاب را فراهم کرد. جنبش کارگری که یک پایه مهم منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی دیگر بود. منشوری که در همان سرسختی‌های اعلام داشت که این مطالبات فرامین انقلاب مردم است و تأکید کرد که این مردم می‌خواهند به صدسال حاکمیت ستم و استثمار پایان دهند و دیگر اجازه نمی‌دهند از بالای سرشان اعمال قدرت شود و همان جا بر شوراها تأکید نمود. در صحنه میدانی نیز ما شاهد گسترش هر روزه اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری بوده و هستیم. اعتراضات قدرتمند

**انترناسیونال:** طی دو سال از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و پس از فروکش کردن اعتراضات خیابانی شاهد موجی از اعتراضات و اعتصابات کارگران و افسار مختلف جامعه بودیم. از نظر شما اولاً این اعتراضات تا چه حد متأثر از جنبش زن، زندگی، آزادی است و ثانیاً مهم‌ترین اهداف این اعتراضات و اعتصابات چیست؟



**شهلا دانشفر:** دو سال از انقلاب زن، زندگی، آزادی گذشت. انقلابی عمیق و انسانی علیه فقر و تبعیض و نابرابری و علیه بی‌حقوقی زن در تمام اشکال که تمام وجود توحش و بربریت سرمایه‌داری حاکم را نشانه گرفته است.

علی‌رغم سرکوب وحشیانه و فروکش کردن اعتراضات خیابانی و علی‌رغم تشدید سرعت ماشین سرکوب و اعدام حکومت برای عقب زدن مردم و بازپس گرفتن دستاوردهای انقلاب، مردم در اشکال مختلف مبارزاتی تداوم انقلاب را فریاد می‌زنند. در این دو سال جنبش سرنگونی تا اعماق جامعه ریشه دوانده است و سر بلند کردن قدرتمند انقلاب به کابوس دائمی حکومت تبدیل شده است.

همانطور که اشاره کردید در این دو سال ما شاهد موجی از اعتراضات و اعتصابات کارگری و افسار مختلف جامعه بودیم و اعتراضاتی در این ابعاد به طور واقعی متأثر از انقلاب زن، زندگی، آزادی و برای به پایان رساندن پیروزمند آن است و این چیزی است که در بیانیه‌های اعتراضی مردمی در مناسبت‌های مختلف و در شعارهای کف خیابانی بازتاب داشته است. در فضای انقلابی جامعه مسئله سرنگونی بستر اصلی اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مردم از مبارزات یکدیگر بوده و هست.

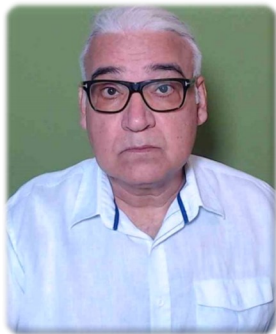
سازمان‌یافتگی صف اعتراضات و تعین و شفافیت خواست‌های مردمی و تصویر روشنی که از جامعه انسانی آینده در اذهان مردم شکل گرفته است، و نیز اتحاد و همبستگی مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه همه‌وهمه دستاوردهای مهم انقلاب زن، زندگی، آزادی است که راه پیشروی آن را فراهم‌تر کرده است.

در نتیجه چنین جدال سخت مردم با حکومت، جمهوری اسلامی در تمام وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش کشیده شده و با بحران همه‌جانبه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. در منطقه و در سطح بین‌المللی نیز بیش از پیش به انزوا کشیده شده است.

در این دو سال نبرد بر سر حجاب این نماد آشکار آپارتاید جنسی، یک عرصه مهم رودرویی مردم با حکومت اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی مهسا امینی را فقط بخاطر حجاب به قتل رساند و این بر آتش خشم ۴۵ ساله مردم علیه کل بساط جهنمی حکومت اسلامی شعله زد و بدین گونه نام مهسا، این اسم رمز انقلاب، برای همیشه جاودانه شد و امروز یک دستاورد مهم انقلاب مردم فتح "خاکریز" حجاب، این خاکریز اول حکومت است. جمهوری اسلامی با فروکش کردن اعتراضات در خیابان قشون‌کشی فراوانی کرد تا این سنگر فتح شده را باز پس بگیرد. اما زنان شجاع ایستادند و به آن تن ندادند و در دل این نبرد قهرمانانه بود که آرمیتا گراوند این نوجوان شجاع قربانی شد. در این جدال خونین مردم که

دومین سالگرد آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی

از صفحه ۳



**حسن صالحی:** اگر بخواهم تجربیات این دو سال را خلاصه کنم باید بگویم که در این دو سال تمام تلاش ما این بوده است که جنبش علیه اعدام را تقویت و نیرومند کنیم و فکر کنم در این تلاش موفق بوده‌ایم. اکنون جنبش علیه اعدام در ایران یک جنبش قوی اجتماعی است. صحبت بر سر نجات فقط چند نفر از پای چوبه‌های دار نیست. اگر چه نجات هر

تک‌نفری طبعاً مهم است. صحبت از درگیرکردن بخش‌های مختلف جامعه برای لغو مجازات شنیع و ضدانسانی اعدام و متوقف کردن تمامی اعدام‌ها در ایران است. جامعه ایران اکنون به یمن این تلاش‌ها به این آگاهی رسیده است که اعدام باید برچیده شود و این مجازات ضدانسانی ممنوع اعلام گردد. این خواستی است که در ده‌ها بیانیه منتشر شده از سوی نهادهای مردمی موج می‌زند و در عرصه میدانی نیز از زندان‌های جمهوری اسلامی گرفته تا اعتراضات باننشستگان و ده‌ها اعتراضی خیابانی در خارج کشور و داخل کشور تبلور آن را می‌یابیم. شعاری که زنان زندانیان سیاسی در اوین داده‌اند یعنی "تا لغو اعدام ایستاده‌ایم تا پایان" اکنون زیانزد مردمان بسیاری است.

جمهوری اسلامی وقتی که محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد از معترضین انقلاب زن، زندگی، آزادی را اعدام کرد، با اعتراضات وسیع و گسترده‌ای روبرو شد. شنبه‌های همبستگی با انقلاب ایران در روز شنبه ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ به یک مانیفست جهانی و قدرتمند علیه مجازات ضدانسانی اعدام و سرکوب و اعدام معترضین در ایران تبدیل گردید. علیه این جنایت در ده‌ها شهر مختلف دنیا اعتراضاتی برپا شد. صدها تن از اعضای تشکل‌های مختلف کارگری، تشکل‌های دفاع از حقوق زنان، کنون نویسندگان، معلمان، باننشستگان، مادران دادخواه، خانواده‌های خاوران، و همچنین هنرمندان، شاعران و دیگر فعالین اجتماعی و مدنی با انتشار بیانیه‌ای خواهان لغو مجازات ضدانسانی اعدام شدند. در بخشی از این بیانیه آمده است که:

"اگر شعار و نام قیامی که با خون (مهسا) ژینا امینی آغاز شد، زن، زندگی، آزادی است، پس باید هر چه رساتر اعلام کنیم که اعدام یک قتل عمد حکومتی است و هیچ انسانی با هیچ دلیلی نباید اعدام شود. از همین رو با محوریت «اتحاد و همبستگی علیه احکام ارتجاعی اعدام» از تمامی فعالین سیاسی، اجتماعی و تشکل‌های صنفی برای تشکیل کارزاری علیه اعدام، دعوت به عمل می‌آوریم تا شاید اتحاد ما که سال‌ها برای زندگی مبارزه کرده‌ایم، بتواند مانع از قتل جان‌های بی‌گناه دیگری شود، چرا که این مبارزه، وظیفه‌ی ایستادگی در برابر این ظلم عیان را برای ما ایجاب کرده است. مجازات اعدام نه فقط برای معترضین و نیروهای سیاسی، بلکه باید به طور کل لغو شود. ما تنها با تلاش جمعی برای «الغای اعدام» می‌توانیم «زندگی» را محقق کنیم. زندگی‌ای که یکی از ارکان اصلی قیام جاری است و علیه ارتجاع، کشتار و عادی‌سازی از حربه‌ی اعدام در مقام تاکتیکی سرکوبگر علیه اعتراضات بر حق مردمی است."

بعد از اعدام دو تن دیگر از معترضین انقلاب زن، زندگی، آزادی یعنی محمد حسینی و محمدمهدی کرمی در چهل‌مین روز اعدام جنایت‌کارانه این عزیزان پنجاه تشکل دانشجویان، جوانان، دانش‌آموزان، پزشکان و فعالین زن مردم را به تجمع و راهپیمایی در شهرها و دانشگاه‌ها فراخواندند. جمهوری اسلامی وقتی که می‌خواست که سه جوان معترض در اصفهان یعنی مجید کاظمی، سعید یعقوبی، و صالح میرهاشمی را اعدام کند با یک مقاومت شدید. برای نجات آنها چند روز متوالی جنگیدیم. دو بار اعدام آنها را به تعویق انداختیم. رژیم جنایت‌کار

کارگران نفت و حرکت آن به‌سوی سراسری شدن، اعتراضات سراسری پرستاران به‌ویژه در یک‌ماهه اخیر که تمام توجه‌ها را به خود جلب کرده است، اعتراضات معلمان در مناسبت‌های مختلف، اعتراضات در کانون‌های داغی چون واگن پارس اراک که بیش از چهل روز است جریان دارد و فضای شهر اراک را متأثر کرده است و یا اعتراضات در مراکز دیگری چون ذوب‌آهن اصفهان، ماشین‌سازی‌ها، کارگران شهرداری، مخابرات، راه‌آهن، نیشکر هفت‌تپه، گروه ملی فولاد اهواز، معادن هم‌هوهمه گوشه‌هایی از این نبرد سخت بر سر معیشت را به نمایش می‌گذارد. به این لیست باید اعتراضات کشاورزان از جمله کشاورزان اصفهان بر سر آب و زندگی و مافیای حاکم را اضافه کرد که اعتراضاتشان هر روزه است و بالاخره تجمعات هر روزه بخش‌های مختلف باننشستگان را داریم که امروز متحد کنار هم ایستاده و با شعار "شاغل و باننشسته اتحاد اتحاد" پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را به دست گرفته و با دست گذاشتن بر روی اساسی‌ترین مسائل سیاسی جامعه از جمله دفاع از زنان در برابر جنگ حکومت بر سر حجاب، علیه اعدام و زندان و علیه فقر و فساد به بلندگوی رسای اعتراض کل جامعه تبدیل شده‌اند. امروز ما در چنین شرایطی به استقبال دومین سالگرد انقلاب زن، زندگی، آزادی می‌رویم.

در شرایطی به استقبال سالگرد انقلاب می‌رویم که اعتراضات گسترده در نفت می‌رود تا سراسر این مرکز کلیدی کارگری را در بر بگیرد. از جمله هم اکنون با موج قوی‌تری از اعتراضات کارگران رسمی نفت روبرویم که به لحاظ شکل ابعادی تعرضی‌تر و اجتماعی‌تر پیدا کرده است. برای مثال در جاهایی همچون شهرک‌های مسکونی فجر کارگران نفت با خانواده‌هایشان تجمع و راهپیمایی کرده و برکناری مدیران فاسد و حقوق عادلانه، شعار اعتراضی‌شان است. کارگران ارکان ثالث نفت را داریم که سه‌شنبه‌های اعتراضی‌شان را شکل داده‌اند و در سه‌شنبه این هفته در مراکز چون سایت یک عسلویه، سایت دو کنگان و پالایشگاه گاز فجر تجمعات مشترکی با کارگران رسمی نفت داشتند و ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگران پروژه‌های نفت را داریم. این اشکال از مبارزه نهم در جایی چون نفت نوین است و تأثیر مستقیمی بر کل جنبش کارگری می‌گذارد.

اعتراضات گسترده در نفت، اعتراضات گسترده پرستاران که هم اکنون در تدارک اعتراض سراسری خود برای هفدهم شهریورماه هستند و ادامه اعتراضات در واگن پارس در کنار اعتراضات باننشستگان با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" فضای امروز جامعه در آستانه دومین سالگرد انقلاب را رقم می‌زند. اعتراضاتی در این ابعاد بدون شک گرمابخش تنور انقلاب در کف خیابان‌ها خواهد بود. خلاصه کلام اینکه اوضاع تحول بخشی در پیش است. با تمام قدرت به تدارک اعتصابات و تجمعات سراسری برویم و با متحد کردن صفوف مبارزاتی خود به استقبال تحولات نویدبخشی که در چشم‌انداز است برویم.

در آخر و در مناسبت دومین سالگرد انقلاب جا دارد تا بار دیگر بر مصوبه کنگره سیزدهم حزب کمونیست کارگری و گردآمدن حول منشور خواست‌های بیست تشکل و منشور مطالبات پیشرو زنان و میثاق ۱۴۰۳ تشکل‌های کارگری و اجتماعی این اسناد تاریخی انقلاب تأکید کنیم. زنده‌باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!

**انترناسیونال:** پس از آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی و طی این دو سال و با تشدید وحشیانه اعدام‌ها برای عقب راندن جامعه و مردم جنبش علیه اعدام با شرایط مشکلی روبرو بوده است. لطفاً کمی از تجربیات این دو سال و تلاش‌های کمیته بین‌المللی علیه اعدام برای خوانندگان ما بگویید.

## دومین سالگرد آغاز انقلاب زن، زندگی، آزادی

از صفحه ۴

اسلامی بالاخره در خفا عزیزان ما را اعدام کرد.

با ذکر این نمونه‌ها می‌خواهم بگویم که جامعه در ابعادی بی‌سابقه علیه اعدام و قتل حکومتی مستقیماً وارد میدان نبرد شده است تا این سلاح را از دست جنایت‌کاران اسلامی خارج کند. در یک طرف این نبرد جمهوری اسلامی قرار دارد که درمانده و مستأصل و هراسناک از برآمدهای اجتماعی نیرومندتر به اعدام‌های بیشتر روی آورده است تا در قدرت باقی بماند و در طرف دیگری مردمی که در برابر اعدام و جنایت این حکومت قد علم کرده‌اند تا ضمن نجات محکومین به اعدام، راه خود را برای سرنگونی این رژیم خونخوار هموار کنند. در یک طرف رژیمی قرار دارد که از خون مردم تغذیه می‌کند و در طرف دیگر مردمی که می‌خواهند بساط این جنایت‌کاران و زالوصفتان را جمع کنند.

در سال گذشته اعتراض به اعدام‌ها با شروع کار کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" با هدف لغو اعدام و شکنجه در ایران به زندان‌ها رسید و اکنون در ۲۱ زندان جریان دارد و مرتباً در حال افزایش است. این کارزار از سوی شماری از زندانیان قزل‌حصار در بهمن‌ماه سال گذشته آغاز شد و با استقبال دیگر زندانیان و مخالفین اعدام و فعالین اجتماعی روبرو گردید. زندانیان با دست‌زدن به اعتصاب‌غذا در سه‌شنبه هر هفته، روزی که زندانیان برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل می‌شوند، خواهان پایان دادن به اعدام و شکنجه در ایران هستند. چندی پیش نیز ده‌ها نهاد ایرانی و بین‌المللی با انتشار بیانیه‌ای از این کارزار قویاً حمایت کردند و از جامعه بین‌المللی خواستند که از جنبش روبرو شدن لغو اعدام در ایران پشتیبانی کنند. گسترش اعتراض از درون زندان‌های جمهوری اسلامی علیه بربریت و توحش حکومت اسلامی نشان‌دهنده این است که جامعه ایران نه فقط مرعوب قدرت پوشالی این رژیم نشده؛ بلکه آماده است که به‌خاطر زندگی و کرامت انسانی این رژیم را در همه‌جا به مصاف بطلبد.

با اعدام چهار زندانی سیاسی از مبارزین کردستان یعنی پژمان فاتحی، محسن مظلوم، محمد فرامرزی و وفا آذربار در بهمن سال گذشته، جامعه به سلاح مؤثر اعتصاب عمومی روی آورد. به فراخوان بسیاری از فعالین سیاسی، نهادهای مردمی، حزب کمونیست کارگری و تعداد دیگری از احزاب سیاسی و با حمایت بسیاری از تشکلهای فعالین سیاسی در سراسر کشور در کردستان روز ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ یک اعتصاب عمومی برپا شد که پاسخ دندان‌شکنی به اعدام‌های اخیر توسط حکومت اسلامی بود. همچنین در سمیرم در اعتراض به صدور حکم اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان از بازداشت‌شدگان انقلاب زن، زندگی، آزادی طی روزهای ۱۰ و ۱۱ بهمن دو روز اعتصاب عمومی برپا شد که رژیم را به هراس انداخت. ویژگی اعتصاب عمومی در سمیرم این بود که سلاح اعتصاب برای جلوگیری از اعدام دو جوان بکار گرفته شد.

یکی از دستاوردهای مخالفین علیه اعدام در این دوره تشکیل ائتلافی به نام کارزار جهانی نه به اعدام در ایران بود که رویدادی بسیار مهم است. این برای اولین بار است که فعالین علیه اعدام با گرایش‌ها و باورهای فکر مختلف ولی با محوریت ضدیت با اعدام به گرد هم جمع شدند و فعالیت مشترکی را آغاز کردند. اعلام تشکیل این کارزار با انتشار فراخوانی با امضای ده‌ها نهاد، سازمان و حزب سیاسی بود که از عموم می‌خواستند از ۱۳ تا ۲۰ ژانویه ۲۰۲۴ به فعالیت‌هایی علیه اعدام‌های گسترده در ایران دست بزنند. این فراخوان با پاسخ مثبتی روبرو شد و در ۱۵ کشور و ۴۱ شهر دنیا علیه اعدام و قتل حکومتی در ایران برنامه‌های اعتراضی سازمان داده شد. کارزار تاکنون نقش بسیار خوبی در متحد کردن و متحد نگه‌داشتن نیروهای مخالف اعدام داشته است و حتی به الگویی برای

همکاری میان فعالین اجتماعی در عرصه‌های مبارزاتی دیگر هم تبدیل شده است.

یک مسئله دیگر عطف توجه جدی به اعدام‌های مرتبط با جرائم مواد مخدر است که بیشترین آمار اعدام‌ها در ایران را تشکیل می‌دهد. در همین رابطه روز چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای خواستار توقف اعدام‌های مربوط به جرایم مواد مخدر در ایران شدند و از دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) خواستند، این خواست را شرط ادامه همکاری با جمهوری اسلامی قرار دهد. در این بیانیه آمده است: "اعدام متهمان مواد مخدر واکنش درخور بین‌المللی نداشته و اعدام روزانه آن‌ها با سکوت رسانه‌ای همراه است. همین امر باعث شده تا جمهوری اسلامی نسبت به سه سال پیش با کمترین هزینه اعدام‌های مرتبط با جرایم مواد مخدر را ۱۸ برابر افزایش دهد."

این مروری مختصر بود بر فعالیت‌های گوناگون علیه اعدام در دو سال گذشته. برخی ممکن است که این سؤال را بپرسند که با این همه تلاش و کوشش چگونه است که جمهوری اسلامی همچنان به اعدام‌های ادامه می‌دهد؟ واقعیت این است که جمهوری اسلامی با اعدام زاده شد و یکی از ارکانی که این رژیم را حفظ کرده است همین اعدام است. رژیم اسلامی تا آخرین لحظه از حیات ننگین خویش به هر جنایتی دست خواهد زد. اما رژیم نتوانسته است به اهداف خود از اعدام‌ها یعنی مرعوب کردن و ترساندن جامعه دست یابد. اعدام‌ها خود به موضوعی برای مبارزه بیشتر علیه جمهوری تبدیل شده است و در عین حال باید اشاره کنم که علی‌رغم تشدید سرکوب، اعتراضات وسیع و گسترده‌ای در جامعه جریان دارد. در همین حال باید تأکید کنم که اگر این میزان اعتراض و مبارزه نبود به‌طور قطع جمهوری اسلامی تعداد بیشتری را بخصوص از میان دستگیرشدگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی اعدام می‌کرد. در این به یمن وجود جنبش نیرومند علیه اعدام پتانسیل و زمینه بسیار مساعدی وجود دارد که ما علیه رژیم اعدام جمهوری اسلامی موفقیت بیشتری به دست آوریم. ممنوعیت مجازات اعدام در ایران هدف ماست. اما تحمیل شرایطی به جمهوری اسلامی که به دلیل اعتراضات ما و جامعه جهانی، اعدام‌ها را عملاً متوقف کند در دستور فوری ما قرار دارد. برای تحقق این امر به نیروی بیشتری نیاز داریم. به این جنبش بپیوندید و در دومین سالگرد انقلاب شعار نه به اعدام را همه‌جا طنین‌انداز کنید!

"زن، زندگی، آزادی"

## این ماشین قتل و جنایت را باید در هم کوبید!

به قتل یاسمین رحمتی و محمد موسوی و دیگر قربانیان اعتراض کنیم

انتظامی و عدم کنترل خشم و احساسات از طرف برخی کارکنان، یعنی افسران فرجا، و بی‌اعتنایی به وضعیت متهم این اتفاق رخ داده است". جنایت‌کاران چنان از اعتراض مردم بخاطر این جنایت وحشت کرده‌اند که به دستور پزشک‌های و احمدرضا رادان هیئت تحقیق تشکیل داده و حکم بازداشت ۵ پلیس در ارتباط با مرگ محمد میرموسوی را صادر کرده‌اند.

قتل یاسمین رحمتی و شخص همراهش و محمد موسوی و دیگر قربانیان در ادامه اعدام‌های هر روزه در زندان‌های این حکومت صورت می‌گیرد که مدام دارد جان شماری از عزیزان مردم را می‌گیرد. سازمان حقوق بشر ایران روز ۱۳ شهریور در گزارشی اعلام کرد "تنها در یک ماه گذشته میلادی ۱۰۰ حکم اعدام در ایران به اجرا درآمده است".

موجی از خشم و نفرت علیه این جنایات به راه افتاده و جنایت‌کاران حاکم خود از میزان این خشم و نفرت مردم خبر دارند و از جنایات خود وحشت کرده‌اند. این خشم و نفرت را به اعتراض در سراسر کشور تبدیل کنیم. به یاری بازماندگان قربانیان بشتابیم. صدایشان را بازتاب دهیم. جنایات حکومت را محکوم کنیم و خودمان را برای سالروز انقلاب زن زندگی آزادی آماده کنیم. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و تمام سیاست‌ها و سنت‌ها و آداب و وحشیانه و ضدانسانی‌اش به همراه کل دستگاه سرکوب و جنایاتش باید در گورستان تاریخ مدفون گردد. نابود باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ شهریور ۱۴۰۳ - ۵ سپتامبر ۲۰۲۴

در چند روز اخیر خبرهای تکان‌دهنده‌ای از چندین مورد قتل فجیع منتشر شده و رد پای جانین حکومت اسلامی در همه آنها نمایان است. این جنایات اوج توحش و درنده‌خویی این حکومت را بیش از پیش جلوی چشم همه قرار می‌دهد.

روز گذشته ۱۴ شهریور یاسمین رحمتی استاد موسیقی دانشگاه تهران و شخص دیگری که از او به عنوان "شریک زندگی‌اش" اسم برده شده، در خانه‌ای در رشت با شلیک گلوله کشته شدند. یاسمین استاد سنتور و همچنین آهنگ‌ساز بود و قبلاً یک آهنگ خود را به کیان پیرفلک کودک کشته شده به دست جانین اسلامی، تقدیم کرده بود. عاملین قتل این دو اعلام نشده‌اند؛ اما از قرائن روشن است که قتل این دو به عوامل آدمکش حکومت اسلامی مربوط است.

در خبر تکان‌دهنده دیگری که در همین روز ۱۴ شهریور منتشر شد نهاد منفور و معلوم‌الحال "دادستانی عمومی و انقلاب" گیلان غرب از قتل یک شهروند که اسم او اعلام نشده خبر داد که همان سناریوی نخ‌نما و نفرت‌انگیز همیشگی را برای قتل او بیان کرد که گویا این شخص در حین انتقال به پلیس آگاهی برای بازجویی "بدحال شد و جان باخت". این هر دو رویداد چند روز پس از انتشار خبر قتل محمد میرموسوی راننده اسنپ در لاهیجان که در ۳۰ مرداد دستگیر شده بود روی می‌دهد. روزنامه شرق از قول مردم محل گفته است که افراد بسیجی او را به درختی بسته بودند و ماشینش را آتش می‌زنند و او را هدف گلوله قرار می‌دهند و سپس در پاسگاه او را به ستونی بسته و با کابل و آهن و میله و باتوم کتک زدند که وی بر اثر همین ضربات کشته می‌شود. فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی نیز اعتراف کرده است که "به دلیل هیجان ناشی از اصطکاک صورت‌گرفته میان مرحوم میرموسوی و عوامل

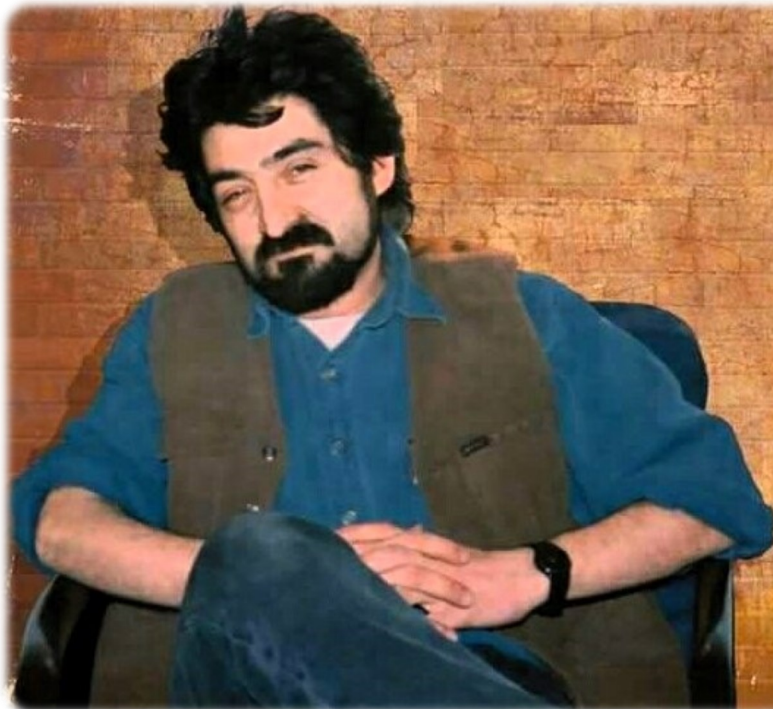
## این ماشین قتل و جنایت را باید در هم کوبید!

به قتل یاسمین رحمتی و محمد میرموسوی و دیگر قربانیان اعتراض کنیم



نوشته پیش رو بخشی از مطلب "کمونیسم کارگری و فعالیت حزب در کردستان" که شامل بخش‌هایی از سمینار دوم از سلسله سمینارهای کمونیسم کارگری است. بخشی که می‌خوانید در مرداد ۱۳۶۸ توسط منصور حکمت نوشته شده است. برای خواندن متن کامل آن به لینک زیر مراجعه کنید.

<https://hekmat.public-archive.net/fa/1180fa.html>



## مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی منصور حکمت

از شکلی به شکل دیگر است.

در جلسه قبل توضیح دادم که برای مارکس مبارزه طبقاتی شکل ایدئالیزه شده‌ای از جدال کسانی نیست که از طبقات سخن می‌گویند و بنام آنها جدال می‌کنند، بلکه کشمکش و تقابل دائمی در جامعه میان خود این طبقات است. جدالی عینی که دائماً میان انسان‌هایی که در مکان‌های مختلف تولیدی قرار گرفته‌اند در جریان است. این جدال هر روزه است، وقفه‌ناپذیر است و در ابعاد مختلف، خواه پنهان و خواه آشکار ادامه دارد. این روح تاریخ برای مارکس است. اگر تاریخ از حکمتی تبعیت می‌کند این است که مناسبات تولیدی انسان‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که روبروی هم قرار می‌گیرند و اینها با کشمکش خود اصل مناسبات تولید را هم دگرگون می‌کنند. در نتیجه تاریخ جامعه از الگوی تبعیت می‌کند و در هر مقطع دارد به تضادهای موجود در مناسبات تولید پاسخ می‌دهد.

اما باز هم این بحث، یعنی بحث مبارزه طبقاتی، آخرین سطح کنکرت شدن مارکس در توضیح تاریخ نیست. مسئله این است که این تضادهای زیربنایی و کشمکش طبقاتی ناشی از آن خود را در یک کشمکش‌های روبنایی نشان می‌دهد که تنها از طریق آنها تضادهای زیربنایی حل‌وفصل می‌شود. تضاد میان محدودیت مناسبات تولید و رشد نیروهای تولیدی جامعه خود را به صورت طیفی از کشمکش‌ها میان انسان‌ها بر سر مسائل متنوع، در ابعاد سیاسی، حقوقی، فکری، هنری، ادبی، ایدئولوژیکی و غیره نشان می‌دهد. این کشمکش‌ها در این سطح روبنایی، یعنی سطحی که بالاخره انسان را به عنوان عنصر فعاله وارد صحنه می‌کند، است که تکلیف تضادهای بنیادی را روشن می‌کند و جامعه را از یک مرحله تاریخی به مرحله‌ای دیگر می‌برد. در بخش اعظم این تاریخ شعور انسان‌ها و آگاهی آنها از روندهای زیربنایی‌ای که با جدال خود به جلو می‌برند محدود است. به عنوان مثال، بورژوازی ایران در قرن نوزدهم پیدا می‌شود و گام‌به‌گام قرار است سرمایه‌داری در این کشور رشد کند و این نظام اجتماعی و اقتصادی نوین بورژوائی جایگزین نظام کهنه بشود. این یک نیاز اجتماعی است که در رشد تولید و

تبیین مارکس از تاریخ، و در واقع هر کس که معتقد به عینی بودن تاریخ است، این است که عینیت تاریخ در قانونمندی حرکت آن است. تاریخ یک سلسله وقایع و رویدادهای تصادفی نیست، رویدادهایی نیست که صرفاً بر مبنای اراده انسان‌های هر دوره رخ داده باشد. تاریخ یک قانونمندی بنیادی دارد که بر مبنای آن حرکت می‌کند. در سمینار قبل سعی کردم به طور خلاصه بگویم که مارکس این قانونمندی را چگونه توضیح می‌دهد. بحث مارکس این است که انسان‌ها در تلاش ناگزیرشان برای بقای فیزیکی خود و برای بازتولید خودشان به عنوان انسان وارد روابط متقابل اجتماعی می‌شوند. جامعه شکل اولیه و پیش فرض وجود انسان است. در هر مقطع انسان‌ها در مناسبات اجتماعی با هم به سر می‌برند که حول مسئله تولید و بازتولید سازمان یافته است؛ بنابراین سؤال این است که این جامعه و این مناسبات چگونه تغییر می‌کند و از چه "حکمتی" تبعیت می‌کند. مارکس سرنخ تمام تکامل تاریخی را در همین مناسبات پیدا می‌کند. اما مارکس به طور بلافاصله و بلاواسطه از تولید به تغییر جامعه و روند تاریخ نقب نمی‌زند. مارکس گام‌به‌گام لایه‌ها و سطوحی از تحلیل را مطرح می‌کند و از تولید و بازتولید گام‌به‌گام بحث خود را کنکرت‌تر می‌کند تا به نقش پراتیک و اراده و عمل انسان در تغییر جامعه می‌رسد؛ بنابراین مارکس که قانونمندی تغییر جامعه را در مناسبات تولید جستجو می‌کند، برای توضیح مکانیسم عملی این تغییر یکی پس از دیگری سطوح مشخص تری را وارد بحث می‌کند که هر یک ریشه در بنیاد اقتصادی جامعه دارند، تا بالاخره نه فقط نقش اراده و آگاهی و پراتیک انسان بلکه جایگاه خرافه و مذهب و پندارهای بشر را در تغییر اوضاع معین می‌کند و توضیح می‌دهد. برای مارکس، تاریخ از قوانین عینی‌ای تبعیت می‌کند، اما به هر حال این انسان‌ها و حرکت آنها است که تغییر را باعث می‌شود و این قوانین را به عمل درمی‌آورد. در جلسه قبل گفتم که مارکس چگونه در حرکت این انسان‌ها، موقعیت آنها در مناسبات تولید و به عبارت دیگر موقعیت طبقاتی آنها را مبنا قرار می‌دهد. مبارزه طبقاتی که ریشه در مناسبات تولید دارد؛ اما نهایتاً چیزی جز پراتیک توده وسیع انسان‌ها نیست، پیش‌برنده تاریخ واقعی و عنصر تحول جامعه و مناسبات انسان‌ها

## مبارزه طبقاتی و احزاب سیاسی

از صفحه ۷

در مناسبات اجتماعی تولید ریشه دارد. اما این روند نه لخت و عریان تحت این پرچم، بلکه تحت یک سلسله کشمکش‌ها در سطح روبنایی‌تر و با پیدایش جنبش‌هایی با هدف‌های محدود و ویژه رخ می‌دهد. انقلاب مشروطیت می‌شود، صحبت از مدرن‌شدن تعلیم‌وتربیت و آموزش زنان می‌شود، از نقش مطبوعات و آزادی آنها صحبت می‌شود، از محدودیت حقوق سلطنت حرف زده می‌شود، ناسیونالیسم تقویت می‌شود و نیاز به ساختن یک هویت ملی برای ایران به جلو رانده می‌شود، رضاشاهی پیدا می‌شود، صنعت و مدرنیزاسیون اداری و تمرکز قدرت دولتی به یک امر تبدیل می‌شود، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت پا می‌گیرد، مصدق و مصدقیسم پیدا می‌شود که آرمان استقلال سیاسی و حق حاکمیت ملی بورژوازی ایران را به جلو می‌راند، اصلاحات ارضی مطرح می‌شود، علیه وابستگی به امپریالیسم و دولت عروسکی پرچم بلند می‌شود. اینها هر یک آرمان‌های انسان‌های زیاد و امر سیاسی و مبارزاتی آنها بوده است. هر یک از اینها نمودار وجود جدال‌های متعدد سیاسی و فکری و اقتصادی در میان بخش‌های مختلف جامعه است. انسان‌ها در این جنبش‌ها و در این سنت‌های مبارزاتی و اعتراضی و انتقادی و حکومتی شرکت می‌کنند، اما با شرکتشان در اینها تکلیف کل بورژوازی شدن جامعه را روشن می‌کنند. اگر به این شیوه به تاریخ ایران نگاه بکنید، آنوقت از انقلاب مشروطیت تا جمهوری اسلامی یک روند مرکب اما جهت‌دار و دارای قانونمندی را به شما نشان می‌دهد. عروج بورژوازی ایران از درون نظام کهنه و سپس رودرویی آن با آنتی‌تر خودش، تبدیل سرمایه‌داری ایران به نظام کهنه‌ای که اکنون خود مورد اعتراض است، چکیده این تحولات متنوع و درون‌مایه مکاتب و جنبش‌ها و سنت‌های مبارزاتی و شخصیت‌های سیاسی مختلفی است که در تمام طول این دوره پیدا شده‌اند و نقش بازی کرده‌اند و به مصاف هم رفته‌اند. در این پروسه احزاب متعدد ساخته شده، نبردها شده، قلم‌ها به دست گرفته شده، جدال‌ها صورت گرفته. اما هر کدام از اینها گوشه‌ای از یک تاریخ عینی و مادی را جلو برده است که حکمت و قانون اساسی آن در زیربنای جامعه و جدال طبقات اصلی آن قابل مشاهده است.

احزاب سیاسی در این سطح از بحث و در این سطح از واقعیت وارد می‌شوند. احزاب سیاسی اشکال گردآمدن انسان‌ها و شرکتشان در این جدال‌های متعدد و متنوع روبنایی است و مستقل اینکه این احزاب راجع به خودشان چه می‌گویند، با نگاه کردن به تاریخ واقعی که وجود آنها را ایجاد کرده است و با مشاهده اینکه در جهان مادی اینها عملاً دارند کدام حرکت تاریخی را منعکس می‌کنند و به جلو می‌رانند می‌توان درباره آنها حکم داد. به عبارت دیگر پشت هر کشمکش سیاسی و حقوقی و عقیدتی، یک کشمکش واقعی طبقاتی وجود دارد که احزاب سیاسی را باید در چهارچوب و در سایه‌روشن با این جدال‌های بنیادی ارزیابی و دسته‌بندی کرد. باید این را دید که حزب سیاسی از چه معضل مشخص در تاریخ مادی جامعه مایه گرفته است و به کدام معضل مشخص در آن دارد جواب می‌دهد. اینکه این حزب چرا وجود دارد، با این تاریخ واقعی چه رابطه‌ای دارد، آیا نقش مهمی دارد یا خیر، آیا جریانی بالنده می‌راند است و غیره تماماً باید با این متد قضاوت شود. کومه‌له و حزب کمونیست ایران را هم باید در پرتو همین بحث ارزیابی کرد.

کشمکش‌های بنیادی در جامعه هم به یکی منحصر نیست. در هر جامعه همواره نشانه‌هایی از گذشته و حال و آینده وجود دارد و در کنار آنچه موجود است جوانه‌هایی از آینده و بقایایی از گذشته وجود دارد. جدال کار و سرمایه در جوار جدال سرمایه با مناسبات پیشین پیدا می‌شود و

رشد می‌کند. بعلاوه، در متن هر جدال اساسی طبقاتی هم اختلافات متعددی میان بخش‌های مختلف بر سر جزئیات و بر سر اشکال تحول اجتماعی مشاهده می‌کنید. این جدال‌های اساسی و تمام سایه و روشن‌های درونی آن سرچشمه سنت‌های سیاسی هستند که احزاب سیاسی تازه در درون آنها متبلور می‌شوند و شکل می‌گیرند؛ بنابراین پیش از آنکه به احزاب سیاسی برسیم باید سنت‌ها و جریانات سیاسی را تشخیص بدهیم و اینکه هر یک از اینها نه فقط منافع کدام طبقه اجتماعی را منعکس می‌کنند، بلکه در درون اردوی این طبقه کدام تأکیدات، کدام اولویت‌ها و کدام افق‌ها را نمایندگی می‌کنند. لیبرالیسم به‌عنوان یک سنت سیاسی که احزاب متعدد در جوامع مختلف به وجود آورده، با سنت ناسیونالیسم که آن‌هم احزاب متعدد داشته و دارد، هر دو گرایش‌ها و سنت‌های سیاسی یک طبقه‌اند، اما یکی نیستند و بارها در تاریخ جوامع اینها را حتی در برابر هم پیدا می‌کنیم؛ بنابراین تنوع احزاب سیاسی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. پشت این احزاب طبقات‌اند. اما این رابطه یک‌به‌یک نیست. تنوع احزاب سیاسی ناشی از این واقعیت است که انسان‌ها در سطحی روبنایی، یعنی در اشکال سیاسی و حقوقی و فکری و غیره، وارد کشمکش‌های اجتماعی شده‌اند و کشمکش‌های بنیادی طبقاتی به طیف وسیعی از جدال‌های سیاسی و مشخص در جامعه ترجمه می‌شود. به عبارت دیگر تقابل طبقات اصلی جامعه معضلات اجتماعی متعددی را مطرح می‌کند، بر مبنای این معضلات گرایش‌ها و سنت‌های مبارزه سیاسی متعددی شکل می‌گیرد و بر متن این سنت‌ها و گرایش‌ها احزاب سیاسی بسیار متنوعی به وجود می‌آیند که در هر دوره پیش‌قراول و سازمانده فعالیت سیاسی انسان‌ها بر مبنای این سنت‌ها و یا تلفیقی از آنها هستند.

از سوی دیگر، احزاب سیاسی ابزارهای گرایش‌ها اجتماعی برای بسیج کل نیروی طبقه خویش تحت پرچم اهداف و افق ویژه خود و برای حاکم کردن کل این اهداف و افق در سطح جامعه هستند. احزاب سیاسی، در درون هر سنتی که شکل گرفته باشند پیش‌قراول کل جامعه و طبقات اصلی آن قرار می‌گیرند و برای بسیج کل پایه مادی خود در جامعه تلاش می‌کنند. تازه در این روند است که طبقات اجتماعی به کمک احزاب سیاسی به کشمکش‌های بنیادی میان خود معنی عملی و سیاسی می‌دهند. تنها به این طریق است که انسان‌ها تناقضات ناشی از موقعیت اقتصادی‌شان و اختلاف در منافع پایه‌ای طبقاتی‌شان را به اختلافات سیاسی بر سر تحولات کنکرت اقتصادی و سیاسی و غیره در جامعه ترجمه می‌کنند و قادر به عمل سیاسی می‌شوند. احزاب سیاسی کشمکش طبقاتی را متعین می‌کنند و فضای لازم برای دخالت انسان‌های یک طبقه در تعیین تکلیف روندهای تاریخی را به وجود می‌آورند. احزاب سیاسی از شکاف‌های طبقاتی مایه می‌گیرند، اما در مرحله بعد خود تازه ظرف عمل سیاسی طبقات می‌شوند. تاریخ جامعه نه به‌صورت رودرویی لخت و عریان و غیر متعین طبقات جلو می‌رود و نه به‌صورت مبارزه مستقیم و سازمانی احزاب با هم. بستر جلو رفتن این تاریخ کشمکش طبقات اجتماعی تحت پرچم سنت‌های مبارزاتی و احزاب سیاسی معین است.

سنت‌های مبارزاتی و احزابی که این نقش را پیدا بکنند، یعنی بتوانند فشار عمومی و پایه‌ای مطالبات و افق‌های طبقاتی را به فشار سیاسی و مادی در جامعه تبدیل کنند، احزابی اجتماعی‌اند. احزاب دخیل در تاریخ هر دوره‌اند. اما معنی این حرف این نیست که این احزاب عیناً نماینده کل آن منفعت طبقاتی و کل آرمان آن طبقه‌اند. جنبش سیاسی طبقه در هر دوره بالاخره به افق سیاسی و توان سنت سیاسی و حزبی که رهبری‌اش را به دست گرفته است محدود می‌شود. تاریخ واقعی، اما، تاکنون از طریق همین بسیج کل نیروهای طبقاتی حول افق‌های محدود جلو رفته است.



### کمونیسم کارگری به عنوان حزب سیاسی

به هر حال می‌خواهم این را بگویم که این سطوح در بحث ما و در ارزیابی ما از حزبی که ساخته‌ایم وجود دارد. از دل کدام سنت‌های اعتراضی و مبارزاتی در جامعه پیدا شده‌ایم. معضلات کدام طبقه و یا طبقات مایه پیدایش حزب ما بوده است، چه رابطه‌ای با طبقه در صحنه سیاسی پیدا کرده‌ایم و کدام افق را جلوی جامعه و جلوی طبقه قرار می‌دهیم و چه رابطه عملی‌ای با طبقه کارگر در صحنه پراتیک اعتراضی داریم؛ بنابراین خیلی روشن است که ارزیابی ما از حزبمان نمی‌تواند یک ارزیابی یک‌بعدی و تک‌جوابی، خوب است یا بد، کارگری است یا نه اجتماعی است یا نه باید به خود ببالد یا نه باشد. من می‌خواهم تصویر عینی و مارکسیستی از حزب، و از کومه‌له که موضوع بحث امروز است، بدهم. نمی‌خواهم خیال کسی را راحت و یا ناراحت کنم و یا به پراتیک تاکنونی نمره بدهم. باید بدانیم که راجع به هر یک از این ابعاد یک حزب و یک جنبش طبقاتی چه ارزیابی‌ای داریم. بدون این صحبتی از یک درک درست و مارکسیستی از "چه باید کرد" مان و دورنما و وظایفمان نمی‌تواند در میان باشد.

یک نکته کمونیسم کارگری را به عنوان یک سنت اعتراضی و یک گرایش حزبی طبقه کارگر از نظر آنچه که تاکنون گفتم از سایر حرکت‌های حزبی در جامعه متمایز می‌کند. (منظور من از کمونیسم کارگری اینجا بحث‌های پس از کنگره دوم یا مواضع خودم نیست. من این کلمه را بجای کلمه کمونیسم بکار می‌برم. منظور من آن گرایش کارگری است که مانیفست کمونیست را به عنوان بیانیه خودش صادر کرد). این تمایز در این است که این گرایش حامل کل آرمان کارگری و کل افق کارگری برای تغییر جامعه است و برخلاف سنت‌های مبارزاتی دیگر در جامعه و برخلاف سایر احزاب سیاسی طبقات مختلف منفعت و افق ویژه و محدودی را دنبال نمی‌کند. مارکس این را در مانیفست کمونیست به روشنی بیان می‌کند:

"کمونیست‌ها حزبی مجزا در برابر سایر احزاب طبقه کارگر نیستند. آنها هیچ منفعتی جدا منافع پرولتاریا به طور کلی ندارند. آنها اصول فرقه خاصی برای خود به منظور شکل دادن و قالب‌زدن به جنبش پرولتاریایی

نساخته‌اند. کمونیست‌ها فقط از این جهت از سایر احزاب طبقه کارگر متمایزند که: ۱- در مبارزه کشوری پرولترهای کشورهای مختلف، آنها منافع مشترک کل پرولتاریا را برجسته می‌کنند و به پیش می‌رانند. ۲- در مراحل مختلفی که مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی باید طی کند، آنها همواره و همه‌جا نماینده منافع کل جنبش‌اند.

بنابراین، از یک سو، از نظر عملی، کمونیست‌ها پیشروترین و مصمم‌ترین بخش احزاب کارگری هر کشورند، بخشی که تمام بخش‌های دیگر را به جلو سوق می‌دهد، و از سوی دیگر، از نظر تئوریک، آنها این امتیاز را بر کل توده عظیم پرولتاریا دارند که مسیر پیشروی، شرایط و حاصل نهائی کل جنبش پرولتاریایی را به درستی می‌شناسند."

بنابراین، کمونیسم کارگری بخشی از جنبش طبقاتی است که منافع و آرمان‌های کل این جنبش و افق پیشروی و پیروزی تمام‌وکمال آن را نمایندگی می‌کند. باین حال این به آن معنی نیست که این بخش، این گرایش، به طور اتوماتیک افق خود را بر جنبش طبقه کارگر مسلط کرده، و پراتیک اعتراضی کارگر را رهبری می‌کند. کمونیسم کارگری هم، به عنوان یک سنت سیاسی و مبارزاتی تابع همان ملزوماتی است که به آن اشاره کردم. باید بتواند نگرش خود را به کل طبقه تسری بدهد، باید بتواند نیروی طبقه را حول اهداف و آرمان‌های خود، که در این مورد ابتدا "ویژه" نیست، بسیج کند و در صحنه عمل سیاسی به میدان بکشد. کمونیسم کارگری هم باید بتواند احزاب سیاسی قدرتمند از خود بیرون بدهد و خود را به پراتیک اعتراضی طبقه در مقیاس وسیع مرتبط کند.

از نظر تاریخی، کمونیسم کارگری از همان دوره مارکس به این سو همواره یک سنت مبارزاتی زنده بوده است. در مقاطعی در تاریخ کشورهای مختلف احزاب سیاسی خود را هم به وجود آورده و طبقه کارگر را به انقلاب نیز کشانده است. کارنامه این گرایش گواه دخیل بودن جدی آن در تاریخ قرن بیستم است. مدتی طولانی است که به دنبال شکست تجربه کارگری در شوروی این گرایش احزاب سیاسی جدی‌ای بیار نیاورده است. علل این را جای دیگری بحث کرده‌ایم. اما به عنوان یک سنت مبارزاتی این جریان نقش کماکان مهمی در جنبش کارگری داشته، هرچند در کشورهای زیادی این نقش بیشتر به صورت "سوق دادن سایرین به جلو" نمودار شده و در اعتراضات جاری کارگری و در شکل دادن به ذهنیت و نگرش و روش‌های رهبران جنبش اعتراضی طبقه نقش خود را بازی کرده است.\*

**چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواستهای مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی- مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تاکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تاکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.**

**(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی ۷ و مساله سه جزیره)**

## بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران درباره حقوق انکار ناپذیر شهروندان در زمینه سلامت و درمان

براین اساس، کلیه شهروندان باید حق برخورداری از امکانات جامعه امروزی برای مصون ماندن از صدمات و بیماری‌ها را داشته باشند و دسترسی‌شان به خدمات درمانی مناسب فراهم باشد. برای رفع نیازهای عاجل مردم در زمینه درمان و مراقبت‌های پزشکی و تأمین طب و درمان رایگان، لازم است همین امروز جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشت و در همبستگی با مبارزات پرستاران و دیگر کادر درمانی که با دستمزدهای نازل و شرایط کار غیرقابل تحمل روبرو هستند خواهان تحقق خواست‌های برحق آنها شد. مطالبات حزب کمونیست کارگری در زمینه سلامت، درمان و بهداشت به‌قرار زیر است:

طب و خدمات پزشکی مناسب باید رایگان و در دسترس همه باشد. همه شهروندان صرف‌نظر از درآمد خانوادگی، محل اقامت و موقعیت اجتماعی و غیره، باید باتوجه به نیازهایشان، امکان برخورداری از خدمات درمانی مناسب را داشته باشند.

امکانات و تجهیزات درمانی؛ مانند بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، مراکز توان‌بخشی و دانشکده‌های پزشکی و همچنین کادر درمانی شامل پرستاران، پزشکان و متخصصان باید بر حسب میزان جمعیت و مطابق آخرین دستاوردهای پزشکی افزایش یابد و بودجه لازم به آن اختصاص داده شود، و در خدمت سیستم طب رایگان و بهداشت عمومی قرار گیرد.

بهبود کیفیت خدمات درمانی بدون بهبود فوری شرایط کار کادر درمانی میسر نیست. باید شرایط کار انسانی برای کادر درمانی فراهم شود. بدین منظور باید ساعات کار آنان کاهش و دستمزدهای افزایش یابد، اضافه‌کاری اجباری ممنوع شود، و حق اعتراض، اعتصاب و سازمان‌یابی پرستاران و کل کادر درمان به رسمیت شناخته شود.

سطح بهداشت عمومی و اطلاعات پزشکی و بهداشتی عامه باید از طریق گسترش آموزش مردم از جمله آموزش جنسی در مدارس، به‌طور جدی بهبود یابد.

به‌منظور کاهش ابتلا به بیماری‌ها و یا صدمه دیدن شهروندان باید اقدامات پیشگیرانه‌ای مانند تغذیه سالم و باکیفیت، مسکن مناسب، حمل‌ونقل ایمن بر اساس استانداردهای محیط زیستی و همچنین کاهش شدت کار و افزایش اوقات فراغت به عمل آید.

به‌منظور مواجهه با سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه و شرایط بحرانی مانند جنگ و زلزله و سیل و برای پیشگیری از شیوع بیماری‌های قابل‌پیش‌بینی که سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد باید بودجه لازم اختصاص یابد و آمادگی لازم برای کمک به بیماران و مصدومین ایجاد شود.

بیماری‌های اپیدمیک ناشی از عدم سلامت محیط‌زیست باید ریشه کن شوند و بهداشت عمومی باید از طریق مبارزه با آلودگی هوا و آلاینده‌های محیط‌زیست بهبود یابد.

ایمنی و بهداشت محیط‌های کار باید با استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات و امکانات بدون هیچ صرفه‌جویی تأمین شود تا مخاطرات ناشی از کار به حداقل ممکن تقلیل یابد. در برابر مخاطرات و بیماری‌های خاص هر حرفه باید نظارت و معاینه پزشکی منظم توسط مراجع پزشکی مستقل از کارفرما و به هزینه

وضعیت فاجعه‌بار حوزه سلامت و بهداشت در ایران ریشه در حاکمیت جمهوری اسلامی و مناسباتی دارد که سلامت و درمان مردم را به عرصه‌ای برای تجارت و سودجویی تبدیل کرده است. حکومت اسلامی با سلب ابتدایی‌ترین حقوق انسانی از مردم، با ایجاد شرایط سخت و مشقت‌بار کار برای کارگران، پرستاران و دیگر حقوق‌بگیران، با تحمیل دستمزدهای بسیار نازل‌تر از خط فقر، با تحمیل تنگدستی به خانواده‌ها و رواج دادن کار کودکان، با گسترش فقر و فلاکت، با گسترش بلایای اجتماعی نظیر اعتیاد و تن‌فروشی، با تخریب محیط‌زیست، با عدم‌پذیرش هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال سلامتی شهروندان مسبب سقوط وضعیت سلامت و بهداشت جامعه به سطح اسف‌بار فعلی است.

مرگ‌های زودرس بر اثر بیماری‌های قابل‌پیشگیری، شیوع انواع بیماری‌ها ناشی از آلودگی محیط‌زیست، فروش اندام‌های بدن برای گذران معیشت، پیری زودرس و سیر قهقراپی سن امید به زندگی از نتایج این وضعیت است. این در حالی است که خود حاکمین اسلامی با استفاده از امکانات پیشرفته درمانی بخش خصوصی در ایران و اروپا معالجه می‌شوند. حاکمین اسلامی و باندهای مافیایی قدرت به‌جای رفع نیازهای درمانی و پزشکی مردم، حوزه بهداشت و درمان را به تجارتی برای کسب سودهای افسانه‌ای تبدیل کرده‌اند. به یاد داریم که در دوره کرونا، شخص خامنه‌ای در رأس همین حکومت با جلوگیری از ورود واکسن از آمریکا و فرانسه و انگلیس و تجویز دعا باعث کشتار بیش از هفتاد و پنج هزار نفر شد.

اکنون کشور با کمبود شدید مراکز درمانی، پزشک، پرستار و کادر درمانی متخصص و همچنین با احتکار و کمیابی دارو به‌خاطر سود ورزی مافیایی دارو روبروست. عدم تخصیص بودجه لازم برای تأمین پرسنل کافی و بالابردن سطح بهداشت عمومی و درمان بیماران باعث شده است که پرستاران و دیگر کادر درمانی متحمل شرایط مشقت‌بار کار و اضافه‌کاری‌های اجباری شوند، به‌طوری‌که این امر در کنار بروز وقایع ناگواری نظیر سکنه و خودکشی به اعتراضات وسیع پرستاران علیه این وضع منجر شده است. از طرف دیگر، مافیای دارو با فروش محصولات دارویی به قیمت گزاف در بازارهای سیاه سودهای نجومی پارو می‌کند، درحالی‌که بیماران به‌خاطر عدم استطاعت مالی برای مراجعه به پزشک و بیمارستان و تهیه دارو و تأمین هزینه‌های سنگین درمان جانانشان را از دست می‌دهند. با سودهای کلانی که مافیای دارو و سلامت طی سال‌های اخیر به جیب زده است، و با هزینه‌هایی که رژیم صرف سرکوب مردم و صنعت ویران‌ساز مذهب و تروریسم کرده است، می‌شد جان ده‌ها هزار نفر را نجات داد و صدها مرکز درمانی برای حفظ سلامتی مردم دایر کرد. این، شمه‌ای از شرایط فلاکت‌بار سلامت و بهداشت در ایران است.

وضعیت نابسامان فعلی باید فوراً تغییر کند. درحالی‌که کشور از پتانسیل علمی و تخصصی کارآمدی در زمینه پزشکی برخوردار است، مانع اصلی در به‌رهمندی شهروندان از امکانات درمانی و پزشکی مناسب، حکومتی است که برای جان و سلامتی انسان‌ها کوچک‌ترین ارزشی قائل نیست. تبهکاران حاکم بر کشور تنها به دنبال منافع سودجویانه و حفظ حاکمیت منحوس خود هستند. اساس یک برنامه اصولی و انسانی در زمینه تأمین بهداشت و درمان اجتماعی باید رفع نیازهای شهروندان باشد، نه سودجویی. بهداشت و سلامت عمومی باید فوراً از حیطة تجارت و سوداندوزی خارج شود تا به نیازهای فوری شهروندان پاسخ دهد.

## حقوق انکارناپذیر شهروندان در زمینه سلامت و درمان

از صفحه ۱۰

زندگی آنها بهبود یابد، به طور روتین تحت کنترل‌های پزشکی قرار گیرند و ارائه کمک در خانه و یا مراقبت کامل از آنها در خانه سالمندان فراهم شود.

برای شرکت فعال افراد دارای نقص عضو در کلیه شئون زندگی اجتماعی باید تسهیلات لازم ایجاد شود و اماکن عمومی، معابر و مجموعه‌های مسکونی باید به تسهیلات ویژه معلولین مجهز باشند. همچنین انواع خدمات بازتوانی و توان‌بخشی و مراقبت‌های پزشکی باید در اختیار معلولین قرار گیرد و هزینه ابزارهای فنی و وسایل کمکی برای تسهیل زندگی روزمره افراد دارای نقص عضو باید توسط دولت تأمین شود.

به‌منظور پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی خدمات رایگان به‌سهولت در دسترس جامعه قرار داشته باشد.

برای مصون داشتن تن‌فروشان از بیماری‌ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه باید خدمات پزشکی پیشگیرانه و امکانات درمانی رایگان به این شهروندان ارائه شود. علاوه بر این باید با تأمین زندگی آنها شرایط برگشتن این شهروندان به یک زندگی سالم را فراهم کرد.

در صورت اعلام آمادگی معتادان به مواد مخدر برای شرکت در دوره‌های ترک اعتیاد باید کلینیک‌های دولتی به‌منظور برآوردن نیاز آنان ایجاد شود.

مسئولیت حفظ جان زندانیان به عهده دولت است و آنان باید از مراقبت‌های پزشکی لازم و امکانات درمانی مناسب برخوردار باشند.

تاکنون بخش‌هایی از این مطالبات موضوع مبارزه جنبش‌های اعتراضی بوده است تا تغییراتی فوری در وضعیت اسف‌بار درمان و بهداشت به نفع شهروندان ایجاد کند. حزب کمونیست کارگری همه مردم را فرا می‌خواند که برای تحقق کامل این خواست‌ها نیروی متحد خود را به میدان آورند. عزم و نیروی متحد مردم برای دستیابی به این مطالبات درعین حال مهم‌ترین ضامن برای تبدیل کردن این خواست‌ها به قانون کشور بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۶ شهریور ۱۴۰۳ - ۶ سپتامبر ۲۰۲۴

- کارفرمایان و دولت به عمل آید.
- همه شهروندان باید در برابر بیماری‌هایی که تشخیص به‌موقع آنها در درمان یا تخفیف عوارض آنها حیاتی است، مانند سرطان پستان، رحم و پروستات یا بیماری‌های قلبی و سرطان‌های رایج، به طور منظم معاینه شوند.
- مراقبت‌های ویژه و مشاوره پزشکی باید به مادران در دوره بارداری و پس از زایمان ارائه شود.
- با تلقیات خرافی، مذهبی، مردسالارانه و عقب‌مانده در جامعه که مانع رشد شعور جنسی مردم و مشخصاً سد راه استفاده وسیع زنان و جوانان از وسائل جلوگیری از بارداری و حفظ ایمنی رابطه جنسی است باید قاطعانه مبارزه شود.
- به‌منظور جلوگیری و تشخیص سریع حاملگی‌های ناخواسته باید لوازم تست حاملگی و وسایل جلوگیری از بارداری به طور گسترده و رایگان در دسترس همه باشد و نحوه استفاده از آنها به مردم آموزش داده شود.
- مادام که شرایط نامناسب زندگی عده زیادی از زنان را به انجام سقط‌جنین ولو به شکل زیرزمینی سوق می‌دهد، باید سقط‌جنین تا ۱۲ هفته‌گی، و در صورت وجود خطر برای سلامتی مادر پس از ۱۲ هفته‌گی تا اولین مقطعی که عمل سزارین و حفظ نوزاد باتوجه به آخرین امکانات پزشکی مقدور می‌شود، مجاز باشد. سقط‌جنین و مراقبت‌های پس از آن باید به طور رایگان در کلینیک‌های مجاز توسط پزشکان متخصص انجام شود و در دسترس همگان باشد.
- کودکان باید برای جلوگیری از مبتلا شدن به بیماری‌های خطرناک و مسری به طور کامل واکسینه شوند و به طور منظم مورد معاینه پزشکی قرار گیرند و از تغذیه در مدارس به طور رایگان برخوردار باشند.
- به‌منظور بهبود سلامتی جسمی و روحی سالمندان باید کیفیت



## بازداشت‌های گسترده در آستانه دومین سالگرد انقلاب "زن، زندگی، آزادی"

مهران محبی

جمهوری اسلامی در وحشت از بازگشت مجدد اعتراضات عمومی به خیابان، دستگاه‌های سرکوب خود را برای جلوگیری از برگزاری مراسم‌های وسیع دومین سالگرد انقلاب شتاب بخشیده و طی مدتی کمتر از دو هفته بیش از ۲۰ نفر از خانواده‌های دادخواه و فعالین سیاسی که عمداً از شهرهای کردستان هستند را بازداشت کرده است.

جانیان اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم حتی از ارتکاب به قتل و جنایت علاوه بر جنایت‌های روتین مانند اعدام زندانیان و کشتن کولبران و سوختن چشم‌پوشی نکرده و اقدام به ترور و قتل‌های سیاسی هم کرده‌اند.

یاسمین رحمتی استاد سنتور دانشگاه تهران که یک قطعه موسیقی خود را به کیان پیرفلک تقدیم کرده بود و به همراه یک نفر دیگر در رشت با شلیک گلوله به قتل رسیدند، از جمله افرادی هستند که طی روزهای گذشته به دست حکومت به قتل رسیده‌اند. نمونه دیگری از این نوع قتل‌های حکومتی در این مدت قتل سارا طاووسی است. عکاس و خبرنگاری که تصاویری از پسر عارف معاون پزشکیان در جلسه معارفه وزیر اقتصاد را منتشر کرده بود و موجی از نارضایتی در بین مردم و همچنین اختلافاتی در میان سران فاسد حکومتی را برانگیخته بود، بعد از یک روز کشته شد و ابتدا دستگاه‌های جنایی و قضایی گفتند از کوه پرت شده و سپس اعلام کردند که در جریان یک تصادف کشته شده است.

دستگاه‌های سرکوبگر حکومت اسلامی سال گذشته هم در آستانه اولین سالگرد انقلاب "زن، زندگی، آزادی" تلاش‌ها و تلاش‌های سرکوبگرانه زیادی برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه کردند، خانواده مهسا امینی را تهدید کردند، خانواده‌های جان‌باختگان را زیر فشار قرار دادند و بسیاری از اعضای خانواده‌های دادخواه را به همراه فعالین سیاسی احضار و بازداشت کردند تا از برگزاری مراسم‌های بزرگداشت مهسا (ژینا) امینی نماد انقلاب و تجدید پیمان عمومی با انقلاب و آرمان‌ها و جان‌باختگان آن ممانعت کنند و درحالی که خانواده مهسا امینی را در روز ۲۵ شهریور، روز به‌قتل‌رسیدن مهسا بازداشت خانگی کرده بودند، توانستند فقط همان روز از برگزاری مراسم‌های گسترده جلوگیری کنند. اما در برابر اعتراضات عمومی در شهرهای کردستان در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور برای گرامیداشت یاد مهسا و سالروز انقلاب شکست خوردند و در برابر تعرضات بیشتر جامعه بعد از ۲۵ شهریور سال گذشته تا امروز کمر خم کرده‌اند.

جمهوری اسلامی امسال و در آستانه دومین سالگرد انقلاب، فرتوت‌تر و درهم ریخته‌تر از سال گذشته است. انقلاب در دومین سالگرد شروع خود، بسیار جاافتاده‌تر، عمیق‌تر و قدرتمندتر شده است. اعتراضات قدرتمند و رو به گسترش همه بخش‌های معترض که با تجمعات اعتراضی خود مطالبات انقلاب را فریاد می‌زنند و پویایی انقلاب را با اعتراض به فقر و فساد و گرانی، به اعدام و بازداشت و زندانی کردن فعالین سیاسی و اجتماعی و به تبعیض و حجاب نمایندگی می‌کنند، در جریان هستند. کارزار سه‌شنبه‌های اعتراضی زندانیان علیه اعدام به ۲۱ زندان گسترش یافته است و خانواده‌های دادخواه به مناسبت سالگرد انقلاب در بیانیه خود بر تداوم دادخواهی عزیزانشان و به محاکمه کشاندن جنایت‌کاران اسلامی پافشاری می‌کنند. در کنار تجمعات اعتراضی معمول و هفته‌ای بازنشستگان، هزاران کارگر پروژه‌ای بیش از دو ماه است که همچنان در اعتصاب هستند. بیش از هزار کارگر واگن پارس اراک وارد دومین ماه اعتصاب بی‌وقفه خود شده‌اند، کارگران ارکان ثالث و رسمی نفت به اعتراضات هفته‌ای پیوسته‌اند. اعتراضات سراسری پرستاران از نهم مرداد

شروع شده و چشم‌انداز تبدیل شدن آن به اعتصابات سراسری را گشوده است و زنان با مبارزات شجاعانه خود، حجاب اجباری را عملاً ملغی کرده و هر طرح سرکوبگرانه تاکنونی علیه بی‌حجابی را شکست داده‌اند و به این ترتیب مجموعه این شرایط حکومت را درمانده‌تر و روحیه باخته‌تر کرده است.

جمهوری اسلامی حتی اگر بتواند با ایجاد فضای امنیتی و نظامی در سطح شهرها مانع از برگزاری مراسم‌های دومین سالگرد انقلاب در روز ۲۵ شهریور شود، از تعمیق و قدرت‌گیری انقلاب از طریق گسترش اعتراضات و اعتصابات نمی‌تواند جلوگیری کند. سال گذشته نیز همین اتفاق افتاد. حکومت توانست با به‌کارگیری تمام توان امنیتی، نظامی و سرکوبگرانه خود، مانع از برگزاری مراسم‌های وسیع گرامیداشت قتل مهسا و شروع انقلاب جلوگیری کند. اما نتوانست مانع از اعتصاب دوروزه ۲۵ و ۲۶ شهریور در شهرهای کردستان و ادامه اعتراضاتی در جامعه شود که مضمون انقلاب را با خود حمل کرده‌اند.

امسال با توجه به مجموعه شرایطی که طی یک سال گذشته توازن قوا را بیشتر از پیش به نفع جامعه و به ضرر حکومت تغییر داده است، ناگامی‌ها و ناتوانی‌های رژیم در برابر مبارزات مردم بیشتر خواهد شد و جامعه مجال‌ها و موقعیت‌های بیشتری برای ضربه‌زدن بر پیکر مفلوک جمهوری اسلامی خواهد یافت.

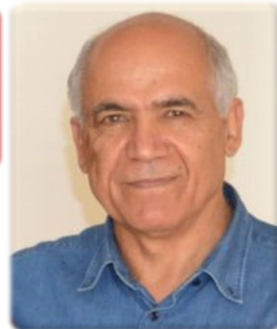
رابطه میان حکومت و مردم، رابطه‌ای جنگی و میدان جنگ نیز میدان رزم و زورآزمایی اما با موقعیت‌های کاملاً متفاوت است. حکومت تا بن دندان مسلح ولی روحیه باخته و گرفتار در میان بحران‌های سیاسی، اقتصادی و حکومتی که انسجام خود را از دست داده و زیر فشار انقلاب و سرنگونی، سرانش به جان هم افتاده و یکدیگر را پاره می‌کنند و در مقابل، مردمی با روحیه بالا و عزم کرده برای سرنگونی رژیم قرار گرفته است که روزبه‌روز متحدتر و قدرتمندتر برای وارد آوردن ضربه نهایی بر پیکر پوسیده حکومت در میدان حاضر می‌شوند.

معلوم است که برگزاری سالگرد قتل حکومتی مهسا و شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برای مردم انقلابی و مردمی که با قتل مهسا به دست قاتلین گشت ارشاد، برای پایان‌دادن به همه تبعیضات و نابرابری‌ها و پایان‌دادن به هر جنایت و ستمی، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان منشأ و بنیان همه جنایات، ستم‌ها، تبعیضات و نابرابری‌ها را هدف خود قرار دادند، اهمیت و جایگاه اساسی دارد، ولی مهم‌تر از آن، اهمیت ادامه خود انقلاب است که حکومت اگر هم موفق به ممانعت از مراسم‌های سالگرد آن شود، موفق به سد کردن ادامه انقلاب نخواهد شد و سرانجام با همین انقلاب سرنگون خواهد شد.

نه فراموش می‌کنیم و نه می‌بخشیم، ایستاده‌ایم تا پایان.



## جراحی اقتصادی توسط قاتلان اقتصادی



اصغر کریمی

پزشکیان روز ۱۳ شهریور در مشهد گفت "باید مردم را آگاه کنیم که چه مداخلاتی باید در عرصه اقتصادی صورت گیرد و طبیعتاً نیاز به چه جراحی‌هایی هست که کشور از این وضعیت خارج شود. جراحی هم بدون رضایت مردم انجام نمی‌شود."

قبل‌تر سرخی از این جراحی داده بود: "هیچ منطقی وجود ندارد که بنزین را به قیمت دلار آزاد بخریم و به قیمت سوبسیددار بفروشیم. پول دارو و نهاده و حقوق بازنشسته‌ها را ندارم، اما بنزین دلار ۵۰ تومان را می‌فروشم ۱۰ تومان". نان در هفته‌های گذشته تا صددرصد گران شده و گرانی بنزین و اقدامات مشابه دیگر در راه است.

وقتی در حکومت اسلامی بحث اقتصاد می‌شود بلافاصله کلماتی کلیدی به ذهن می‌رسد: مافیای اقتصادی، رانت‌خواری، فساد، حقوق‌های نجومی، آقازاده‌ها، زیربنای الاغ خمینی و در مقابل حقوق معوقه، دستمزدهای شرم‌آور، اخراج، بیکاری، بی‌خانمانی، بازماندن کودکان از تحصیل و هزار بلای دیگر.

هجوم به زندگی مردم سیاست همیشگی حکومت بوده است، تفاوت پزشکیان با بقیه این است که می‌خواهد جراحی را با رضایت! خود مریض انجام دهد. اما جراحان قاتلانی شناخته شده‌اند، هم قاتلان سیاسی‌اند هم قاتلان اقتصادی و این دو کاملاً به هم مربوط‌اند.

مردم جراحی‌های اقتصادی را با خیزش جواب داده‌اند و کسب رضایت آنها برای فقر بیشتر مسخره است. پزشکیان این را می‌داند منظورش رضایت و اتحاد بالایی‌ها است. در سخنرانی‌اش نیشی به دولت‌های قبلی زد و گفت: "همه با هم بودیم و این جور شده" و همه با هم باید حلش کنیم. همراهی جراح اعظم! را دارد و به همراهی مجلس، سپاه، صداوسیما و ارگان‌های دیگر احتیاج دارد. اما همراهی بالایی‌ها نیز در مقابل بحران‌های جان‌سخت و به بن‌بست رسیده دوام نخواهد آورد.

وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی نه راه‌حل اقتصادی دارد نه سیاسی. نه در سطح منطقه و بین‌المللی می‌تواند سیاست راهگشایی داشته باشد و نه در داخل قادر است از هزینه مذهب و نهادهای نظامی بزند، نه توان راه‌اندازی صنایع ورشکسته را دارد، نه قرار است با رانت و فساد در بیفتد. تنها راه باز هم گرانی بیشتر و هجوم بیشتر به زندگی مردم است. اما این نیز کمکی به حل معضل اقتصادی حکومت حتی در کوتاه‌مدت نمی‌کند.

پاسخ مردم گسترش اعتراض، تکثیر اعتصابات قدرتمند و سراسری پرستاران، گسترش شبکه‌های اعتراضی در سراسر کشور، تقویت جنبش دادخواهی و علیه اعدام، گسترش بی‌حجابی و آمادگی هر چه بیشتر در داخل و خارج در سالروز انقلاب است.

[مندرج در ژورنال ۸۲۷](#)

۵ سپتامبر ۲۰۲۴



## اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## در محکومیت انتقال اجباری اردوگاه‌های کومه‌له در کردستان عراق!

ریودن و ترور صدها نفر از فعالین اپوزیسیون جمهوری اسلامی شده و فضای ناامن‌تری را بر کل عراق و کردستان عراق حاکم کرده است.

حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی و احزاب حاکم در عراق و کردستان عراق را شدیداً محکوم می‌کند و از احزاب و نیروهای رادیکال و پیشرو و مردم آزاده در کردستان عراق و ایران انتظار دارد همچون گذشته علیه احزاب همدست جمهوری اسلامی در کردستان عراق دست به اعتراض بزنند.

در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، مردم کردستان را فرامی‌خوانیم با تمام قدرت خود را برای اقدامات مبارزاتی در سراسر کردستان در سالگرد انقلاب آماده کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۴۰۳، ۶ سپتامبر ۲۰۲۴

طبق گزارش کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)، روز پنجشنبه ۵ سپتامبر ۲۰۲۴، با سپری شدن بیش از دو سال از امضای توافقنامه امنیتی جمهوری اسلامی و دولت مرکزی عراق، مرحله اول از مفاد توافقنامه امنیتی به اجرا درآمده و کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و دو سازمان دیگر که به نام کومه‌له فعالیت می‌کنند، به منطقه دیگری در کردستان عراق، سورداش، انتقال داده شده‌اند.

توافق امنیتی جمهوری اسلامی و دولت مرکزی عراق ادامه سیاست‌های تروریستی جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق است که با همکاری احزاب حاکم در عراق و اتحادیه میهنی به اجرا درآمده است.

در چند دهه گذشته و به‌ویژه با قدرت‌گیری جریان‌های اسلامی در عراق و حاکمیت نیروها و احزاب ناسیونالیست کرد در اقلیم کردستان، دامنه دخالت و حضور نیروهای تروریستی - نظامی جمهوری اسلامی در اشکال مختلف و تحت نام نیروهای نیابتی تروریست، گسترش یافته و منجر به



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

کومه‌له

کومه‌له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

## اطلاعه‌های هفته اخیر

## سی و ششمین روز اعتصاب کارگران واگن پارس حمله نیروی انتظامی به کارگران واگن پارس را شدیداً محکوم می‌کنیم

امروز یازدهم شهریورماه کارگران کارخانه واگن پارس اراک برای سی و ششمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و تعطیلی دائم شرکت و به‌خطراتادن وضع کاری خود و مدیریت فاسد شرکت دست به اعتصاب زده و پیگیر مطالباتشان شدند. بیش از یک ماه اعتصاب کارگران واگن پارس و راهپیمایی‌هایشان در شهر اراک با فریاد "کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد" بازتاب وسیعی در این شهر داشته است. حکومت اسلامی از ترس پیوستن مردم به این اعتراضات امروز یازدهم شهریورماه با نیروی انتظامی صف اعتراض کارگران را مورد یورش وحشیانه‌ای قرار داد و کارگران با آنها درگیر شدند. در این درگیری تعدادی از کارگران بازداشت و عده‌ای زخمی و به بیمارستان منتقل شدند. حمله به کارگران حق طلب باید با وسیع‌ترین اعتراضات مواجه شود. نباید به حکومت منفور و دزد و چپاولگر اجازه دهیم که مانع اعتراض و حق طلبی کارگران شود.

مطالبات فوری کارگران واگن پارس عبارت‌اند از: برکناری مرتضی ملائزاد مدیر فاسد این شرکت، رفع تبعیض‌ها، پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات هم‌جوار و گروه مینا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع از اعتراضات کارگران واگن پارس اراک حمله ددمنشانه سرکوبگران حکومت را به این کارگران شدیداً محکوم کرده و بر حمایت وسیع کارگران و مردم معترض شهر اراک، شرکت گسترده خانواده‌های کارگران اعتصابی در این اعتراضات و نیز همبستگی سراسری کارگری و همه مردم با کارگران معترض واگن پارس تأکید دارد. کارگران بازداشتی واگن پارس باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

شرکت «#واگن پارس»، وابسته به گروه صنعتی «مینا» است که عمده سهام آن متعلق به وزارت نیرو و آستان قدس رضوی است و یک موضوع مهم اعتراض این کارگران چپاولگری‌های سهام‌داران عمده این شرکت است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۴۰۳، ۱ سپتامبر ۲۰۲۴



حکومت اسلامی سرنگون باید گردد

## ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت در مجتمع گاز پارس جنوبی

امروز دهم شهریورماه کارگران رسمی در پالایشگاه اول و دوم مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند و با شعار حقوق عادلانه حق مسلم ماست بر خواست خود تأکید کردند.

اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق و افزایش سقف حقوقی به بالای ۱۰۰ میلیون، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک بی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازنگاری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

حزب کمونیست کارگری بخش‌های مختلف کارگران شاغل در نفت را به حمایت از مبارزات یکدیگر فراخوانده و بر تصمیم‌گیری‌ها در مجمع عمومی خود و ادامه شرکت خانواده‌های کارگران در تجمعات تأکید می‌کند. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً پشتیبانی کنیم.

### پیش به سوی اعتصابات سراسری

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ شهریور ۱۴۰۳، ۳۱ اوت ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## در ادامه اعتراضات پرستاران

امروز ۱۱ شهریور پرستاران بهبهان در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند و اعتراضات خود و خواست‌های خود را با پلاکاردهای متنوعی که در دست داشتند اعلام کردند از جمله اعتراض به اضافه کاری اجباری ۲۰ هزارتومانی، حق مسکن و حق لباس ناچیز، و مطالبه فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ و اصلاح تعرفه‌ها. روز ۱۰ شهریور نیز پرستاران و پرسنل ۱۱۵ اورژانس اصفهان در دانشگاه علوم پزشکی این شهر دست به تجمع زدند. پرسنل دانشگاه علوم پزشکی ایلام نیز روز ۷ شهریور در مقابل استانداری تجمعی اعتراضی سازمان دادند. در سایر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در سراسر کشور همچنان فضای اعتراض در میان پرستاران و کادر درمان داغ است.

پرستاران در تجمعات و اعتصابات قدرتمند خود خواست‌های خود را با شعارها و پلاکاردها و بیانیه‌های روشن خود بیان کرده و اولتیماتوم داده‌اند که چنانچه به خواست‌های آنها در تاریخ‌های مشخصی که اعلام کرده‌اند عملی نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. پرستاران در بیانیه‌های خود تأکید کرده‌اند که همه خواست‌های آنها از فوق‌العاده خاص و تغییر در روش اجرای قانون تعرفه‌گذاری تا لغو اضافه کاری اجباری و افزایش حق اضافه کاری داوطلبانه به حداقل ۱۰۰ هزار تومان در ساعت، اجرای کامل و بدون قیدوشرط قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور با ۲۰ سال سابقه، اجرا و صدور احکام فوق‌العاده خاص با ضریب ۳ تعیین دقیق منبع مالی آن از سوی مجلس و سازمان برنامه‌بودجه، لغو قراردادهای ظالمانه و بازگرداندن پرستاران اخراجی، باید فوراً عملی شود.

علاوه بر این خواست‌ها، آزادی بی‌قیدوشرط اعتصاب، تجمع و تشکل از حقوق پایه‌ای پرستاران و همه مردم است و اتحاد و همبستگی پرستاران، کارگران و معلمان، دانشجویان و بقیه اقشار جامعه ضامن تداوم قدرتمند اعتصابات و اعتراضات است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۴۰۳، ۱ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمعات بازنشستگان در شوش، کرمانشاه، اهواز، رشت، اصفهان و ادامه اعتراضات کارگران نفت

امروز یازده شهریور بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، رشت و شوش تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی در همراهی با بازنشستگان مخابرات در برابر سازمان تأمین اجتماعی استان تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی یکی از زنان بازنشسته سخنرانی کرد و در سخنانش می‌دردی وزیر کار را که وزارت کار را "مدعی العموم فقر" خوانده به نقد کشید و بر منافع مشترک همه بازنشستگان تأکید کرده و به تأخیر پرداخت خسارت بیمه‌های تحمیلی اعتراض کرد. جمعیت با کفزدن سخنان او را مورد تأیید قرار دادند. یکی دیگر از بازنشستگان طی سخنرانی‌ای اعتراض خود را به فساد حکومتی و عدم پاسخگویی به مطالبات پرستاران اعلام و بر اتحاد و همبستگی تأکید کرد. در این تجمع همچنین بنرهایی با نوشته درمان رایگان حق مسلم ماست، لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد قابل توجه بود. بازنشستگان در کرمانشاه شعارهایی در اعتراض به فقر و بی‌تامینی، علیه اعدام و در حمایت از پرستاران سر دادند و با شعار "شاغل و بازنشسته، اتحاد، اتحاد" بار دیگر پرچم اتحاد طبقاتی کارگری را برافراشتند. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمع عبارت بودند از: "جنگ افروزی کافیه سفره ما خالیه"، "تن برود، جان برود، آزادی از بین نرود"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم". یک شعار مهم و قابل توجه این بازنشستگان علیه احکام اعدام بود و شعار می‌دادند "هم صدها، هم پیمان، علیه حکم اعدام".

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گردآمده و پیگیر مطالبات خود شدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد"، "از خوزستان تا گیلان مرگ بر این مدیران"، "از خوزستان تا تهران مرگ بر این مدیران"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، و "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

در اهواز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "گرانی تورم، بلای جان مردم"، و "ظلم و ستم همین جاست، آقازاده آمریکاست".

امروز یازدهم شهریورماه همچنین بازنشستگان فولاد در اصفهان همچون هفته‌های گذشته و برای طلب خواست‌هایشان تجمع داشتند. بازنشستگان شعار می‌دادند: نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت

اجرای همسان‌سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای نرخ تورم سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به سرکوبگری‌ها و بساط اختلاس و چپاول حاکم از جمله مطالبات سراسری اعلام شده بازنشستگان است.

اعتراضات کارگری گسترده است. در نفت بخش‌های مختلف کارگران در اعتراض‌اند. در روز گذشته علاوه بر پالایشگاه اول و دوم مجتمع گاز پارس جنوبی که قبلاً گزارش آن داده شد، کارگران رسمی شاغل در شرکت نفت و گاز پارس سکوها‌های بهره‌برداری SPD13A&18B برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. اعتراضات کارگران رسمی نفت گسترده‌تر شده و اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق و افزایش سقف حقوقی به بالای ۱۰۰ میلیون، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازننگری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۴۰۳، ۱ سپتامبر ۲۰۲۴

## آزادی رضا شهبانی، حسن سعید و کیوان مهتدی از زندان

روز گذشته ۱۱ شهریور سه کارگر زندانی به اسامی کیوان مهتدی، حسن سعیدی و رضا شهبانی از بند ۴ زندان اوین آزاد شدند. آزادی این عزیزان بسیار خوشحال‌کننده است و به آنها، به خانواده‌هایشان و به همگان تبریک می‌گوییم. این سه زندانی سیاسی کارگری از اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ به دنبال پرونده‌سازی نهادهای امنیتی برای فعالان کارگری، معلمان فعالین اجتماعی هم‌زمان با دستگیر ژاک پاری و سیسل کولر دو فعال عضو اتحادیه بین‌المللی فرانسوی که به ایران سفر کرده بودند، بازداشت شده و بدون حتی یک روز مرخصی. و با وجود بیماری در شرایط سخت زندان دوران حبس خود را سپری کردند. اما داوود رضوی و ابراهیم مددی و دو عضو دیگر سندیکای شرکت واحد و همچنین ژاک پاری و سیسل کولر همچنان در زندان نگه داشته شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط این عزیزان و تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد.

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی جنبشی است قدرتمند و امروز در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی با فریادی رسا، با سردادن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" صف اعتراض خود را برای باز کردن در زندان‌ها محکم‌تر کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ شهریور ۱۴۰۳، ۲ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت

بنا بر گزارشات منتشر شده امروز ۱۲ شهریور کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود در شرکت نفت و گاز پارس در سکوها‌های چهار گانه با در دست گرفتن بنرهای اعتراضی خود دست به تجمع زدند. از جمله سکوها‌هایی که این تجمعات برگزار شدند عبارت‌اند از: #SPD6, #SPD9, #SPD12B, #SPD14D, #SPD15, #SPA17A, #SPD20, #SPD21, #SPQ2, #SPD3, #SPD19C, #SPP24A, #SPD24B

در این روز همچنین کارگران رسمی در پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و دستمزد خود تجمع اعتراضی برپا کردند.

اعتراضات کارگران رسمی نفت گسترده‌تر شده و ابعادی سراسری دارد. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق و افزایش سقف حقوقی به بالای ۱۰۰ میلیون، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازننگری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی.

اعتراضات بخش‌های مختلف کارگری گسترده است. در گزارشات قبلی از تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای رشت، شوش، اهواز و کرمانشاه و فولاد و معدن در اصفهان گزارش دادیم. بنا بر گزارشات تکمیلی در روز گذشته بازنشستگان فولاد و معدن در تهران و بازنشستگان تأمین اجتماعی در مشهد نیز تجمع داشته و صدای اعتراضشان را علیه فقر و بی‌تامینی بلند کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ شهریور ۱۴۰۳، ۲ سپتامبر ۲۰۲۴

فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی

کارگر زندانی  
آزادباید گردد!



اعتراض زدند.

مطالبات فوری کارگران واگن پارس عبارت‌اند از: برکناری مرتضی. ملائزاد مدیر فاسد این شرکت، رفع تبعیض‌ها، پایان کار پیمانکاران، همسان‌سازی حقوق و مزایای کارگران با دیگر کارخانجات هم‌جوار و گروه مپنا، رسمی شدن قرارداد کارگران، و بازگشت به کار کارگران اخراجی.

تداوم اعتراض کارگران واگن پارس پاسخ محکمی به سرکوبگری‌های حکومت و قلدری مدیر فاسد این شرکت است. حزب کمونیست کارگری کارگران در کارخانجات دیگر در این شهر و همه مردم را به حمایت همه‌جانبه از کارگران واگن پارس فرا می‌خواند.

شرکت «#واگن پارس»، وابسته به گروه صنعتی «مپنا» است که عمده سهام آن متعلق به وزارت نیرو و آستان قدس رضوی است و یک موضوع مهم اعتراض این کارگران چپ‌ولگری‌های سهام‌داران عمده این شرکت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ شهریور ۱۴۰۳، ۳ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## اعتراضات کارگران رسمی نفت ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد

بنا بر اخبار منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز شانزده شهریور کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره در لاوان، پالایشگاه گاز پارسیان و شرکت نفت فلات قاره در منطقه عملیاتی لاوان در سکوی بلال برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع زدند. اهم مطالبات کارگران رسمی عبارت است از: برکناری مدیران فاسد و بی‌کفایت، حذف محدودیت پرداخت حقوق (سقف ناعادلانه)، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اصلاح کف حقوق، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک - پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده

اعتراض کارگران رسمی نفت کیفیت جدیدی پیدا کرده و تجمع اعتراضی مشترک آنها با کارگران ارکان ثالث در این هفته و شرکت خانواده‌ها در شهرک‌های مسکونی جم ابعاد اجتماعی‌تر و گسترده‌تر این اعتراضات را نشان می‌دهد. اعتراضات بخش‌های مختلف نفت گسترده است و گسترش اعتراضات در این صنعت کلیدی به‌سوی اعتراضات سراسری‌تر و گسترده‌تر را نشان می‌دهد. این اعتراضات در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی بسیار مهم است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۴۰۳، ۶ سپتامبر ۲۰۲۴



## اعتراضات کارگران رسمی نفت در شرکت نفت و گاز پارس عسلویه، پالایشگاه گاز فجر جم و شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)

بنا بر گزارشات منتشر شده امروز سیزدهم شهریورماه کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالبات خود در شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱)، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲) و پالایشگاه گاز فجر جم تجمع و اعتراض کردند. در این اعتراضات کارگران شاغل در شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱) با شعارهایی نظیر "کسورات نامشروع ملغا باید گردد"، و "قرارداد استخدام اجرا باید گردد" اعتراض خود را به گذاشتن سقف حقوق و کاهش دستمزدهایشان اعلام کردند.

اهم مطالبات کارگران رسمی: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱۰، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازرگری اساسنامه تحمیلی صندوق بازنشستگی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ شهریور ۱۴۰۳، ۳ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## اعتصاب و تجمع مشترک کارگران ارکان ثالث و رسمی در عسلویه، کنگان و پالایشگاه فجر و سی و هشتمین روز اعتصاب کارگران واگن پارس

امروز سیزدهم شهریورماه با وجود فشار نیروهای امنیتی و حراست و ممانعت‌هایشان کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری دوشادوش کارگران رسمی در سایت یک عسلویه، سایت دو کنگان و در پالایشگاه فجر اعتصاب و تجمع کرده و با راهپیمایی و فریاد شعار حقوق عادلانه حق مسلم ماست. بر مطالبات خود تأکید کردند. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضی کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) این حرکت اعتراضی با حضور «توکلی» مدیریت جدید شرکت ملی گاز ایران در مجتمع گاز پارس جنوبی، انجام گرفت.

اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق ایجاد تشکل و برپایی تجمع و اعتراض، بازگشت به کار فوری و بی‌قیدوشرط کارگران اخراجی، حجت رضایی از پارس جنوبی و یاسر احمدی نژاد از ملی حفاری و کارگران اخراجی پروژه‌ای، اجرای توافقات قبلی به‌ویژه مرخصی. استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به‌صورت یک‌جانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع دچار تغییراتی شده است، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و بدون تبعیض با نیروهای رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت برای همکاران اداری و پشتیبانی.

کارگران رسمی نیز با اعتراض به تعیین سقف حقوق و کاهش دستمزدهایشان خواستار برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱۰، و دیگر مطالبات اعلام شده خود هستند.

اعتراض مشترک کارگران ارکان ثالث و رسمی در نفت یک اتفاق مهم در جهت سراسری شدن اعتراضات کارگران در این صنعت کلیدی کارگری است. از اعتراضات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

امروز همچنین کارگران کارخانه واگن پارس اراک علی‌رغم سرکوبگری‌های حکومت برای سی و هشتمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود و تعطیلی دائم شرکت و به‌خطرآفتادن وضع کاری خود و علیه مدیریت منفور و فاسد شرکت در محل کار خود دست به اعتصاب و

## ۱۷ شهریور تجمع پرستاران در سراسر کشور

### همراه با خانواده‌ها

پرستاران در اعتصابات خود که از ۹ مرداد شروع شد و به سرعت به اعتصابی قدرتمند و سراسری تبدیل گردید، اولتیماتوم داده بودند که چنانچه خواست‌هایش برآورده نشود دست به اعتراض و اعتصاب مجدد خواهند زد. حکومت تاکنون به مطالبات پرستاران پاسخی نداده و تنها به صورت قطره چکانی بخشی از معوقات آنها را پرداخته است. اما حتی پرداخت معوقات شامل همه پرستاران نشده است. پرستاران در سراسر کشور تصمیم گرفتند که اولتیماتومشان را عملی کنند و به عنوان اولین اقدام دست به تجمع سراسری در روز ۱۷ شهریور بزنند.

این بار قرار است خانواده‌های پرستاران نیز آنها را همراهی کنند. حضور خانواده‌ها در تجمعات پرستاران یک فاکتور بزرگ در تقویت این اعتراضات است. پرستاران همچنین گفتمان مهم دیگری تحت عنوان «پرستار، بیمار، همراه بیمار اتحاد اتحاد» را مطرح کرده‌اند.

بدین ترتیب روز شنبه ۱۷ شهریور می‌تواند به روز قدرتمندی در تجمعات سراسری پرستاران و کادر درمان تبدیل شود و آنها را در موقعیت بازهم قدرتمندتری برای تداوم مبارزه قرار دهد.

شورای سازماندهی پرستاران کلیه پرستاران و کادر درمان و همه نیروهای شرکتی و طرحی و فوریت‌های پزشکی را به شرکت متحدانه در تجمعات ۱۷ شهریور فراخوانده است.

حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مستحکم کلیه پرستاران و کادر درمان، خانواده‌های آنها و همه مردم معترض تأکید می‌کند و خواهان حمایت همه‌جانبه کارگران، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، زنان، دادخواهان و کلیه هنرمندان و نویسندگان پیشرو و معترض از مطالبات بحق کادر درمان است.

شنبه ۱۷ شهریور ساعت ۹ صبح در سراسر کشور:

تهران: مقابل مجلس

مراکز استان‌ها: مقابل استانداری

سایر شهرها: مقابل فرمانداری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۴۰۳، ۶ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## اعتصاب کارگران لاستیک بارز، تجمع بازنشستگان ذوب آهن و مریبان پیش دبستانی و چند خبر دیگر

امروز ۱۷ شهریور کارگران لاستیک بارز کرمان در سومین روز اعتصابشان در اعتراض به سطح نازل حقوقها و کسر مالیات بالا دست به اعتصاب زده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

در این روز همچنین تعدادی از بازنشستگان ذوب آهن در اعتراض به وضع نگران‌کننده بیمه و درمان خود مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. درمان رایگان خواست فوری بازنشستگان است.

خبر اعتراضی دیگر در این روز تجمع مریبان پیش دبستانی استخدامی بعد از ۱۳۹۱ در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و شرایط بد معیشتی خود، مقابل وزارت آموزش و پرورش است. خواست آنها استخدام در آموزش و پرورش همچون سایر معلمان استخدامی سال‌های قبل از ۹۱ است. در این روز نیروهای خدماتی و سرایدار مدرسه شهرستان خمینی شهر اصفهان نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی خود تجمع کرده و خواستار افزایش حقوق و مزایا، تخصیص ۵۰ درصد فوق‌العاده، اجرای کامل طرح رتبه‌بندی و حل معضلاتی همچون کمبود شدید نیرو شدند.

یک اعتراض دیگر در این روز تجمع مال‌باختگان دادخواه شرکت کلاهبردار «نیوساد گستر ایرانیان» (مجمع تجاری گل‌باران) است. این معترضین در برابر دادسرای دزفول تجمع کردند. تجمع‌کنندگان خواهان برکناری «مهدی آماده»، دادستان دزفول شدند که گفته می‌شود با

کلاهبرداران در بالا کشیدن دارایی افراد همدستی کرده است. شرکت «نیوساد گستر ایرانیان»، پول مردم را با وعده پرداخت سود گرفته و اکنون نه تنها سودی نمی‌دهد، بلکه اصل سرمایه‌ها را نیز بالا کشیده است! تجمع‌کنندگان شعار می‌دادند: «مسئول بی‌کفایت! استعفا!». در شرایط چپاول و دزدی حاکم که مقامات حکومتی یک پای آن هستند، جنبش مال‌باختگان یک جنبش قدرتمند در ایران است.

آخرین خبر اینکه مختار اسدی از فعالین معلم و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان - سنندج امروز هفدهم شهریور با قرار وثیقه از بند ۴ زندان اوین آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده‌اش و به همگان تبریک می‌گوییم. مختار در تاریخ دوشنبه ۲۹ مرداد پس از مراجعه به پلیس فتا بازداشت شده بود و روز بعدش هم به قرنطینه زندان اوین منتقل گردید. او پس از چند روز به بند چهار زندان اوین منتقل شد روز یکشنبه ۱۱ شهریور برای او وثیقه بابت اتهامات انتسابی صادر شد و امروز با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شد. پرونده امنیتی مختار اسدی باید فوراً بسته شود.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ شهریور ۱۴۰۳، ۷ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## پرستاران در چندین شهر دست به تجمع زدند

پرستاران طبق فراخوان قبلی امروز در شهرهای اصفهان، قم، کاشان، شیراز و قروه دست به تجمع زدند. در اصفهان تجمع بزرگ پرستاران که تعدادی از خانواده‌هایشان نیز آنها را همراهی می‌کردند در مقابل دانشگاه شکل گرفت. در کاشان پرستاران بیمارستان‌های بهشتی و نقوی تجمع کردند و شعار مسئول بی‌لیاقت نمی‌خواهیم، با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم سر دادند. در شیراز پرستاران بیمارستان قلب الزهرا شعار می‌دادند «تعارف‌ها کجا رفت تو جیب کیا رفت»، در قم نیز تجمع بزرگی از پرستاران شکل گرفت که شعار می‌دادند پرستار داد بزن حق‌تو فریاد بزن. در قروه نیز پرستاران دست به تجمع اعتراضی زدند.

پرستاران در جریان اعتصابات خود در شهرهای مختلف که از ۷ مرداد شروع شده بود اولتیماتوم داده بودند که در صورتی که خواست‌هایشان جواب نگیرد دست به اعتراض و اعتصاب مجدد زدند و امروز دور جدیدی از تجمعات پرستاران شکل گرفت. همراهی خانواده‌ها و سایر مردم معترض شهرها نقش بسیار مهمی در تداوم و تقویت این مبارزه دارد و پرستاران از روزهای قبل گفتمانی تحت عنوان «پرستار، بیمار، همراه بیمار اتحاد اتحاد» را شروع کرده‌اند.

بیانیه‌ای نیز امروز توسط شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و چندین نهاد دیگر به مناسبت دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی منتشر شده که در آن تأکید شده است: «اینک در دومین سالگرد انقلاب نوین زنانه تاریخ، ما معلمان، ما کارگران پرستاران و بازنشستگان، ما زنان و دادخواهان، ما جوانان آزادی‌خواه و ما مردمی که از فقر و فساد و گرانی و ظلم و تبعیض حاکمان به جان آمده‌ایم، با ادامه اعتراضات، تجمعات و اعتصاباتمان و فریاد دوباره "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" با گرامیداشت قدرتمند و پر شور سالگرد آغاز انقلاب، یک‌صدا با هم برای برچیدن مناسبات نابرابر، پایان دادن به بی‌حقوقی زن و بردگی مزدی، و بازگرداندن اختیار به انسان هم‌پیمان می‌شویم. ما مردم به‌جان آمده، می‌دانیم که راهی جز ادامه متحدانه و گسترده انقلاب زن زندگی آزادی پیش روی خود نداریم.»

پرستاران اعلام کرده‌اند که تا تحقق مطالبات بحق خود به مبارزه خود به اشکال مختلف ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مستحکم کلیه پرستاران و کادر درمان، خانواده‌های آنها و همه مردم معترض تأکید می‌کند و خواهان حمایت همه‌جانبه کارگران، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، زنان، دادخواهان و کلیه هنرمندان و نویسندگان پیشرو و معترض از اعتراضات و مطالبات بحق کادر درمان است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ شهریور ۱۴۰۳، ۷ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و اخباری دیگر

امروز هجدهم شهریور یک روز مهم اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلف بود. بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، کرمانشاه، و بازنشستگان فولاد در تهران تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

در تهران بازنشستگان فولادی و معدنی در اعتراض به وعده‌های پوشالی مدیران و زمان‌سوزی مستمر و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل وزارت کار تجمع کردند. این بازنشستگان از خوزستان، اصفهان، تهران و شهرهایی چون کرج، شاهرود و لوشان برای پیگیری مطالباتشان به تهران آمده بودند و جمعیت بزرگ آنان یک صدا شعار می‌دادند: "وزیر تعاون باید بیاد خیابون"، "وعده وعید چه خوب بود، ولی همش دروغ بود"، "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، "تا حقمون نکیری، یکشنبه‌ها همین‌جا"، و "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد". به دنبال تجمع در خیابان این بازنشستگان به داخل سالن وزارتخانه وارد شدند و در آنجا منتظر حضور وزیر کار و پاسخگویی به مطالباتشان جمع شدند.

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش مقابل تأمین اجتماعی گردآمده و شعار دادند و اعتراض کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با شعارهای خود فریاد اعتراضشان را به فقر و ناداری و به دستمزدهای ناچیز و بساط چپاولگری حاکم و سرکوبگری‌ها بلند کردند. این بازنشستگان نیز با شعار "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" بر تداوم اعتراضاتشان تأکید می‌کردند. دیگر شعارهای اعتراضی این بازنشستگان عبارت بودند از: "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "پرستار زحمت کش حمایت می‌کنیم"، و "مجلس سرسپرده گرانی رو آورده". در آخر نیز بازنشستگان با سردادن سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" اعتراضشان را علیه بساط فقر و بردگی حاکم فریاد زدند.

در کرمانشاه نیز بازنشستگان صدای اعتراض خود را علیه گرانی‌ها بلند کرده و یکی از سخنرانان با اشاره به گرانی‌های سرسام‌آور پزشک‌ها را مورد سؤال قرار داده و در مورد گرانی و فشار معیشتی اعتراض کرد. سخنان او با کف زدن جمعیت همراه شد. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بودجه بگیر مفتخور، بلای جان مردم". در این تجمع بنرهایی با نوشته‌های "شکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، و "درمان رایگان حق مسلم ماست" همچنان می‌درخشید. در اهواز بازنشستگان در میدان کارگر روبروی سازمان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی داشتند.

آخرین خبر مربوط به تغییر هفت سال حکم زندان تعلیقی بیمان فرهنگی از معلمان معترض در استان گیلان به حبس تعزیری توسط شعبه هجده دادگاه تجدیدنظر است. معلمان به صدور چنین احکامی اعتراض دارند و خواست فوری آنها پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن تمامی پرونده‌های قضایی تشکیل شده برای معلمان و کلیه زندانیان سیاسی و آزادی فوری همکاران در بندشان است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از اعتراضات معلمان بر آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد. در آستانه دومین سالگرد انقلاب درودیوار را از شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد پرکنیم و همه‌جا آن را فریاد بزنیم.

اعتراضات کارگری گسترده است. همانطور که قبلاً گزارش کرده‌ایم بخش‌های مختلف کارگران نفت نیز در اعتراضات خود علاوه بر گزارشات قبلی در روز گذشته کارگران رسمی نفت در پالایشگاه اول و دوم مجتمع گاز پارس جنوبی برای پیگیری مطالبات خود تجمع داشتند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: برکناری مسئولین نالایق و فاسد، حذف سقف حقوق و افزایش سقف حقوقی به بالای ۱۰۰ میلیون، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی ماده ۱، عدم تفکیک ۳ گانه مشاغل عملیاتی و بازنگری اساسنامه تحمیلی صندوق

بازنشستگی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ شهریور ۱۴۰۳، ۸ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## پیام به مناسبت تشکیل حزب کمونیست ایران

رفقای گرامی حزب کمونیست ایران

حضرار گرامی

درودهای گرم ما را بپذیرید!

تشکیل حزب کمونیست ایران در شهریور ۱۳۶۲ یکی از دستاوردهای ارزشمند کمونیسم در ایران است. حزبی که در یکی از دشوارترین دوران تاریخی، دوره دستگیری‌ها و قتل‌عام زندانیان سیاسی، دوره در هم شکستن شوراها، کارگری و تشکل‌های دانشجویی، دوره عروج یک حکومت وحشی و ضد انسان، شکل گرفت و موجی از امید و خوش بینی در میان کمونیست‌ها و فعالین کارگری و کمونیست‌های زندانی ایجاد کرد. برای اولین بار طبقه کارگر صاحب حزبی شد که صدای او را و مطالبات او کیفرخواست او را با صدای رسا اعلام می‌کرد. ما در حزب کمونیست کارگری ایران به سهم خود تشکیل این حزب را پاس می‌داریم.

آنچه تشکیل این حزب را عملی کرد دو فاکتور مهم بود. یکی، مبارزه سرسختانه و تاریخی مارکسیسم انقلابی علیه یوپولیسیم خرده‌بورژوازی و کمونیسم غیر کارگری، در زمینه تئوری، تحلیل‌های سیاسی، تاکتیک و سبک کار و برنامه بود. مبارزه‌ای که از سال ۵۷ شروع شد و به سرعت مورد استقبال کمونیست‌ها و بسیاری از فعالین کارگری قرار گرفت، در چپ ایران هژمونی یافت و قادر شد طبقه کارگر را صاحب حزب خود کند و فاکتور دوم استقبال بخش قابل توجهی از کمونیست‌ها و فعالین کارگری و به‌ویژه کومه‌له از مارکسیسم انقلابی و مشارکت آنها در تشکیل حزب کمونیست ایران بود. کومه‌له نیروی توده‌ای در کردستان بود و جایگاه و محبوبیت ویژه‌ای نه تنها در میان مردم کردستان بلکه همچنین در میان چپ ایران داشت. این کومه‌له بود که در ادامه سال‌ها جنگ قهرمانانه با جمهوری اسلامی توانسته بود مانع تسلط حکومت بر بخش‌هایی از کردستان شود و امکان تدارک عملی کنگره حزب و سپس امکان فعالیت‌های حزب کمونیست ایران و ارگان‌های مختلف آن را فراهم کند.

صرف نظر از اینکه امروز در احزاب جداگانه‌ای مشغول فعالیت هستیم؛ اما تشکیل حزب کمونیست محصول فعالیت مشترک ما و بخشی از تاریخ مشترک ما است. پدیده ارزشمندی که در پاسخ به یک ضرورت مهم سیاسی شکل گرفت و هشت سال فعالیت مشترک همه را از سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ رقم زد و ما آن را گرامی می‌داریم.

ما تشکیل حزب کمونیست ایران در دهه شصت شمسی را گرامی می‌داریم و برای شما رفقای که در حزب کمونیست ایران فعالیت می‌کنید صمیمانه آرزوی موفقیت می‌کنیم. امیدواریم و تلاش می‌کنیم در صحنه عملی و سیاسی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و جریانات دست راستی که هدفی جز به انحراف کشاندن مبارزه عادلانه و آزادی‌خواهانه مردم ندارند، و برای به پیروزی رساندن انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه مشترکی را به پیش ببریم.

با آرزوی موفقیت برای شما

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳۱ اوت ۲۰۲۴ (۱۰ شهریور ۱۴۰۳)

## از خوزستان چه خبر؟

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۹ تا ۱۶ شهریور ۱۴۰۳

جمعه ۱۶ شهریور

بر اساس سند افشا شده از مدیرعامل فولاد اکسین خوزستان، این شرکت بخاطر اختلاس صد هزار میلیارد تومانی به ۳۷ هزار میلیارد تومان جریمه محکوم شده است. یعنی در برابر صد هزار میلیارد تومان اختلاس، ۳۷ هزار میلیارد جریمه! بنا بر خبر شرکت فولاد اکسین خوزستان اقدام به فروش محصولات خود در خارج از بورس کرده که کاملاً خلاف قوانین مصوب بوده و اینکه چه مدت و به چه میزان ورق فولادی به چه افرادی و با چه مبلغی فروخته شده است، روشن نیست. این خبر گوشه‌ای از اختلاس‌ها در شرکت‌ها و در سطوح مختلف حکومتی را نشان می‌دهد که در درون دعوای مافیایی دزد و چپاولگر بر ملا می‌شود.

پنجشنبه ۱۵ شهریور

فرشاد اعتمادی‌فر، متهم سیاسی بیش از چهارده ماه است که دستگیر و به صورت بلا تکلیف در زندان شیبان اهواز در بازداشت به سر می‌برد. او به بیماری‌های گوارشی مبتلاست و از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی محروم مانده است و چندین بار خانواده‌اش داروهای مورد نیاز وی را به زندان برده‌اند؛ اما مسئولین مربوطه از تحویل داروها خودداری کردند. حتی زمانی که او به بهداری زندان مراجعه کرده است به دلیل نبود امکانات و داروی مورد نیازش، تحت درمان قرار نگرفته است.

ایوب پرکار زندانی سیاسی محکوم به اعدام، به دلیل رسیدگی نشدن پزشکی در زندان شیبان اهواز، با چندین بیماری سخت درگیر است. ایوب پرکار، ۶۹ ساله، بیش از ۱۶ سال زندان، بدون یک روز مرخصی را گذرانیده است.

چهارشنبه ۱۴ شهریور

کشاورزان و رانندگان تراکتور در منطقه جایزان آغاچاری از مناطق نفت‌خیز، در استان خوزستان در اعتراض به قطع سهمیه گازوئیل و مشکلات کاری و معیشتی خود، تجمع کردند.

سه‌شنبه ۱۳ شهریور

کشاورزان و دستگاه داران شادگان از شهرهای جنوبی استان خوزستان، در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل و وضع بد معیشتی خود، تجمع کردند.

بر اساس اخبار منتشر شده با تشدید گرمای هوا و قطع مداوم برق در شهرهای مختلف استان خوزستان، طی هفته گذشته، دستکم سه نفر در کانال آب نیشکر شوش غرق و جان خود را از دست دادند. بنا بر خبرهای مرتبط، مردم بر اثر قطعی مداوم برق و شدت گرمای سوزان تابستانی، به کانال‌های آب و رودخانه‌ها پناه برده و به دلیل ناامن بودن این کانال‌های آبی قربانی شده و جان خود را از دست می‌دهند. حکومت در قبال جان و زندگی مردم و تأمین نیازهای اولیه جامعه از جمله امکانات سرمایشی و تأمین برق مصرفی مردم مسئول است.

دوشنبه ۱۲ شهریور

روزنامه هم میهن در گزارشی با عنوان «فاجعه بی‌سوادی»، به بررسی «موجی از بی‌سوادی» در میان دانش‌آموزان کشور و از جمله استان خوزستان پرداخت. به گفته پیروز نامی، دبیر یکی از مدارس در استان خوزستان، این استان با مشکلاتی شدید همچون کمبود وسایل و امکانات

کمک آموزشی، عدم تمرکز معلمان بر امر آموزش به دلیل حقوق بسیار پایین، و همچنین، وضعیت اقتصادی اسفبار، روبرو است. طبق این گزارش، کلاس کامپیوتری که پیروز نامی دبیر آن است، در ابتدای سال تحصیلی ۳۲ دانش‌آموز داشته است که حدود ۱۷-۱۸ نفرشان تا آخر سال ریزش کرده‌اند. همچنین به گفته نامبرده، یکی از مدارس از خانواده دانش‌آموزان خواسته بود که برای یک سال تحصیلی ۶۰۰ هزار تومان پرداخت کنند، که به محض اعلام این مسئله، ۱۵ خانواده پرونده فرزندانشان را، تحویل و پس گرفتند. این گزارش تأکیدی برداشتن تحصیل رایگان و باکیفیت برای همه کودکان است و این یک مطالبه مهم معلمان و کل جامعه است

یکشنبه ۱۱ شهریور

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهر شوش و همچنین در شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده و پیگیر مطالبات خود شدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: «معیشت، منزلت، حق مسلم ماست»، «بازنشسته می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، و «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون».

بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و شعار می‌دادند: «گرانی تورم، بلای جان مردم»، و «ظلم و ستم همین‌جاست، آقازاده آمریکاست».

در ادامه اعتراضات سراسری، پرستاران در شهر بهبهان در خوزستان بخاطر شرایط سخت معیشتی و کاری و در اعتراض به اضافه‌کاری‌های اجباری، سطح پایین حقوق و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند.

شنبه ۱۰ شهریور

غلامحسین کلبی، زندانی سیاسی از رسیدگی پزشکی به دستور مقامات زندان شیبان اهواز محروم مانده است و با گذشت چندین ماه در نتیجه این شرایط، وضعیت جسمی او رو به وخامت گذاشته است.

روح‌الله کاووسی، شهروند ساکن اهواز، از تاریخ ۱۰ شهریور ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان شیبان اهواز منتقل شده است و با وجود گذشت یک سال، نامبرده، همچنان در بلا تکلیفی به سر می‌برد. روح‌الله کاووسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

جمعه ۹ شهریور

اول تیرماه سال جاری دو نفر از کارگران ارکان ثالث، به اسامی محسن علیزاده در واحد حراست و عادی حمیدی شاغل در شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر که هر یک ۲۰ تا ۲۱ سال سابقه کاری دارند، به دلیل پیگیری مطالبات خود، توسط کارفرما اخراج شدند. کارفرما با عنوان اینکه، این دو کارگر اعتراضات را هدایت می‌کنند، آنها را اخراج و از ورودشان به محل کار خود ممانعت کرده است. کارگران ارکان ثالث خواستار بازگشت به کار همه همکاران اخراجی خود هستند.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۹ شهریور ۱۴۰۳، ۲۳ اوت ۲۰۲۴

# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

[milad.rabei@gmail.com](mailto:milad.rabei@gmail.com)



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3  
Bankkontonummer: 9960264 1223793  
IBAN: SE1095000099602641223793  
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli  
Bankverbindung: Postbank  
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23  
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest  
Account holder: WPI  
Account number: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
IBAN: GB77NWBK60242345477981  
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

اگر شما از فرکانس و ماهواره یاهست ما را دنبال می‌کنید، لازم است هر چه سریعتر تلویزیون کانال جدید را روی ماهواره‌های اعلام شده دریافت کنید.